





Strategies for Resolving International Disputes in the Electricity Industry (A Case Study of the United Kingdom)

Soraya Ahmadpour^{1✉} 

1. Manager of the Legal Office and Complaints Handling, Member of the Board of Directors of the Kurdistan Electricity Distribution Company. Email: Sorsya.ahmadpour@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 89-120</p> <hr/> <p>Received: 2024/10/17 Accepted: 2024/06/08 Published online: 2024/12/10</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Dispute resolution strategies, International dispute resolution, Great Britain law, Electric energy industry, International treaties.</i></p>	<p>Methods of resolving international disputes in the electricity industry face numerous legal challenges. To overcome these challenges, it is essential to revise international treaties to better address the root causes of disputes, improve enforcement mechanisms, and establish clear definitions of treaty violations. This requires significant political will and collective action among all stakeholders. International energy disputes can arise for various reasons, such as fluctuations in raw material and energy prices, the provision of energy infrastructure and equipment, changes in government policies, regulatory shifts, and geopolitical factors. The nature of electricity is highly technical, capital-intensive, and complex. Consequently, the resolution of international electricity disputes has its unique characteristics. The parties involved, whether governments or private entities, tend to resolve their disputes through international arbitration, but they must select appropriate arbitration strategies based on the types of disputes. This article examines the various challenges in international electricity energy disputes and reviews the dispute resolution strategies in this industry. By analyzing legal cases, the advantages and disadvantages of each strategy are assessed, and a comparative study is conducted between the methods by examining the legal frameworks and capacities in English law. The studies suggest a combination of alternative dispute resolution strategies with international arbitration that can be adapted depending on the nature of each case.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Ahmadpour, Soraya (2024). Strategies for Resolving International Disputes in the Electricity Industry (A Case Study of the United Kingdom). <i>Water and Electricity Law</i>, 1 (1), 89-120.</p>
<p>Publisher</p>	<p>Niroy Research Institute. </p>



راهبردهای حل اختلافات بین‌المللی در صنعت برق (مطالعه موردی کشور انگلستان)

ثریا احمدپور ✉

۱. مدیر دفتر حقوقی و رسیدگی به شکایات، عضو هیات مدیره شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان.

رایانامه: Sorsya.ahmadpour@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۸۹-۱۲۰ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰	روش‌های حل اختلاف بین‌المللی در صنعت برق با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است. برای غلبه بر این چالش‌ها، بازنگری در معاهدات بین‌المللی برای رسیدگی بهتر به علل ریشه‌ای اختلاف‌ها، بهبود سازوکارهای اجرایی، و ایجاد تعاریف روشن از تخلقات از معاهدات بین‌المللی ضروری است. این امر، مستلزم اراده سیاسی قابل توجه و اقدام جمعی در میان همه ذی‌نفعان است. اختلافات بین‌المللی انرژی می‌توانند به دلایل متعددی مانند نوسانات قیمت مواد خام و انرژی، فراهم‌آوری زیرساخت انرژی و تامین تجهیزات، تغییر در سیاست دولت‌ها، تغییر در مقررات و عوامل ژئوپلیتیک ایجاد شوند. برق در ماهیت خود ترکیبی بسیار فنی، سرمایه‌بر، و پیچیده دارد. بر این اساس، حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی انرژی برق دارای ویژگی‌های خاص خود است. طرفین اختلاف، چه دولت‌ها و چه بخش خصوصی، تمایل دارند اختلافات خود را از طریق داوری بین‌الملل حل کنند؛ اما این طرفین می‌بایست راهبردهای داوری مناسب را با توجه به انواع اختلافات انتخاب کنند. در این مقاله، ضمن بررسی چالش‌های مختلف در اختلافات بین‌المللی انرژی برق، راهبردهای حل اختلافات در این صنعت نیز بررسی شده است. با بررسی پرونده‌های حقوقی، مزایا و معایب هر کدام از این راهبردها مورد بررسی قرار گرفته و با مطالعه راهکارها و ظرفیت‌های حقوقی مطرح در نظام حقوقی انگلستان، مقایسه تطبیقی میان روش‌ها انجام شده است. مطالعات انجام شده، ترکیبی از راهبردهای حل اختلاف جایگزین با داوری بین‌المللی را پیشنهاد می‌دهد که بسته به ماهیت هر پرونده می‌توانند تغییر کنند.
کلیدواژه‌ها: راهبردهای حل اختلاف، حل اختلاف بین‌المللی، حقوق انگلستان، صنعت انرژی برق، معاهدات بین‌المللی.	احمدپور، ثریا (۱۴۰۳). راهبردهای حل اختلافات بین‌المللی در صنعت برق (مطالعه موردی کشور انگلستان). <i>حقوق آب و برق</i> ، ۱ (۱)، ۸۹-۱۲۰.
ناشر	پژوهشگاه نیرو.



۱. مقدمه

برنامه‌ریزی برای حل و فصل اختلافات، یک ضرورت اساسی در کسب موفقیت‌های بین‌المللی برای هر کشوری است. در صورتی که اختلافات به‌درستی مدیریت و حل و فصل نشوند، آسیب‌های اقتصادی و شکست پروژه‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (A. Timothy Martin, 2011:21). در حال حاضر برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی انرژی، چه در جنبه‌های تجاری یا سرمایه‌گذاری در آن، از روش داوری استفاده می‌شود. داوری‌های حیطة انرژی شامل اختلافات ناشی از انرژی‌های بادی، خورشیدی، هسته‌ای، نفت و گاز، برق، و همچنین زیرساخت‌ها مانند خطوط لوله، شبکه‌ها، و پایانه‌های دریایی و زمینی می‌شود (Cameron, Peter D, 2023:4). انتخاب روش مناسب حل و فصل اختلافات در حوزه انرژی به عوامل متعددی بستگی دارد؛ از جمله این که کدام‌یک از ویژگی‌های هر یک از شیوه‌های حل و فصل اختلافات، برای طرفین با توجه به نوع و ماهیت اختلاف و همچنین شرایط طرفین دعوا، کارایی بیشتری دارد؛ به خصوص در پروژه‌های بزرگتر که روش مشخص حل و فصل دعاوی برای همه انواع اختلافات پاسخگو نیست و ممکن است نیاز به اتخاذ شیوه‌ها و راهبردهای گوناگون در مقاطع مختلف وجود داشته باشد. در میان انواع شیوه‌های حل اختلاف، داوری دارای بیشترین قابلیت اجرایی به‌صورت بین‌المللی است و در بیشتر نظام‌های حقوقی، آرای داوری الزام‌آور بوده و دادگاه‌ها ملزم به شناسایی و اجرای آرای مزبور (جز در موارد خاصی مثل مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه مذکور در ماده ۵ کنوانسیون نیویورک و ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶) هستند (جنیدی، لعیا، ۱۳۹۶). کنوانسیون نیویورک به عنوان موفق‌ترین سند بین‌المللی مربوط به حل و فصل اختلافات، عامل اصلی توسعه داوری تجاری بین‌المللی بوده است. با حمایت اجرایی از آرای داوری توسط معاهده مذکور، فعالان تجاری با اطمینان خاطر، داوری را به عنوان روش حل اختلاف بر می‌گزینند؛ زیرا رای داوری با توجه به کنوانسیون نیویورک در اکثر کشورهای دنیا از حمایت اجرایی برخوردار است (رضائی، سیدعلیرضا، ۱۴۰۱: ۱۰۶) و (اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۳: ۱۵).

اساساً همکاری راهبردی میان کشورها در بخش انرژی می‌تواند فرصت‌های فوق‌العاده‌ای را برای بهبود اقتصادی و توسعه فناورانه آن‌ها فراهم کند. از این رو، تجارت بین‌المللی انرژی برق مبتنی بر اتصال شبکه‌های برق میان کشورها به‌عنوان یکی از شکل‌های یکپارچه‌سازی انرژی با تامین برق ایمن و کارآمد می‌تواند پتانسیل بالقوه‌ای از همکاری مشترک و رونق اقتصادی را برای کشورهای ذی‌نفع فراهم کند. با این حال، همان‌طور که عموماً شناخته شده است، برق یک کالای ویژه و متمایز از سایر کالاهای رایج در بخش انرژی است و حوزه برق در ماهیت خود، ترکیبی بسیار فنی، سرمایه‌بر، و پیچیده دارد؛ بنابراین تجارت برق نیز با تجارت عمومی سایر کالاها متفاوت است. بر این اساس،

حل و فصل اختلافات بین‌المللی انرژی برق نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است و یکی از نگرانی‌های اصلی طرفین دعوا در این حوزه، این است که اختلافات بسته به چالش‌های پیش رو تا چه حد به‌طور موثر حل می‌شوند (Weidong Song, 2009).

در واقع، عنصر اساسی ترویج تجارت و همکاری بین‌المللی در صنعت برق، توسعه سازوکارهای حل اختلاف بی‌طرف، موثر، و الزام‌آور است. با این حال، لایه‌های متعدد قوانین بر دشواری توسعه سازوکارهای مزبور می‌افزاید. بر اساس این اصل مهم که پیچیدگی را نمی‌توان از بین برد اما می‌توان آن را مدیریت کرد، شناخت رویه‌های بین‌المللی در حل اختلافات نه تنها ضروری به نظر می‌رسد بلکه انتخاب راهبرد مناسب می‌تواند تا حد زیادی پیچیدگی‌های اختلافات را کاهش دهد. با بررسی قوانین بین‌المللی متوجه می‌شویم که تنها نهاد بین‌المللی‌ای که در زمینه ماهیت حقوقی قرارداد برق، سخن به میان آورده، سازمان تجارت جهانی است که البته ایران در این سازمان عضویت ندارد. جملگی حقوق دانان به این نتیجه رسیده‌اند که داوری بهترین راه حل جهت حل اختلافات است؛ چرا که مراجعه به نظام قضایی، روندی طولانی داشته که خارج از حوصله دولت‌ها است. بنابراین در صورت تامین شرط استقلال داور، می‌توان از داوری به‌عنوان بهترین گزینه جهت حل اختلاف استفاده نمود (حیدری، داوود، ۱۳۹۷: ۲۴).

در ادامه این مقاله و در بخش دوم، چالش‌های حقوقی مختلف در حل اختلافات بین‌المللی در صنعت برق مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس در بخش سوم، فرایند داوری اختلافات بین‌المللی در انرژی به‌طور کلی و نیز فرایند داوری اختلافات در حوزه انرژی برق در نظام حقوقی انگلستان، بازکاوی می‌شود. در بخش چهارم، راهبردهای رایج در مذاکره و حل اختلافات بین‌المللی در صنعت برق بررسی می‌شود و نحوه اجرا، مزایا، و معایب هر کدام از راهبردها و همچنین میزان مناسب بودن راهبرد با توجه به نوع اختلاف و نیز پرونده‌های حقوقی موردی در حقوق انگلستان، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، در این مقاله، موارد مختلف از راهبردهای حل و فصل اختلافات، بررسی شده است.

۲. چالش‌های حقوقی در حل اختلاف بین‌المللی در صنعت برق

گزارش‌های متعدد جوامع دانشگاهی و تجاری، امکان بروز اختلافات بین‌المللی در حوزه انرژی را نشان می‌دهد. بر اساس گزارش «بررسی داوری بین‌المللی انرژی در آینده در سال ۲۰۲۲»^۱ که توسط دانشگاه کوئین مری لندن^۲ و میسون‌های پینسنت^۳ انجام شده است، انتظار می‌رود که نوسانات قیمت مواد خام و انرژی، عامل اصلی اختلافات در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت باشند. این گزارش نشان می‌دهد که پنج سال آینده

1. Review of International Energy Futures Arbitration in 2022

2. Queen Mary University of London

3. Pinsent Masons

شاهد اختلافات بالقوه در صنعت انرژی ناشی از هزینه مواد خام و قیمت واحد انرژی برای توسعه، بهره برداری، و حفظ پروژه‌های انرژی خواهیم بود. این اختلافات می‌تواند به دلیل عوامل مختلفی از جمله تغییرات در بازار جهانی انرژی، نوسانات در قیمت انرژی، و تغییرات در چهارچوب‌های نظارتی حاکم بر صنعت انرژی رخ دهد. به عنوان مثال، درگیری روسیه و اوکراین منجر به افزایش نوسانات در بازارهای جهانی انرژی شده است که به طور بالقوه می‌تواند منجر به اختلاف بر سر هزینه‌های مواد خام و انرژی شود. اما مصادیق خاص این اختلافات در منابع ذکر نشده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد که تحقیقات بیشتری برای شناسایی نمونه‌های موردی از اختلافات اخیر بین‌المللی انرژی به دلیل نوسانات قیمت مواد خام و انرژی مورد نیاز است. در حالی که نمونه‌های موردی از اختلافات تاریخی بین‌المللی انرژی به دلیل نوسانات قیمت مواد خام و انرژی به راحتی در منابع آرایه شده در دسترس نیست، برخی سوابق نشان می‌دهند که چنین اختلافاتی در گذشته موضوع مهمی بوده است. این گزارش هم‌چنین اشاره می‌کند که تعداد بی‌سابقه‌ای از اختلافات بین سرمایه‌گذاران و دولت وجود داشته است و در آینده نیز احتمالاً مقیاس، پیچیدگی، و هزینه پروژه‌های بادی، خورشیدی و فراساحلی منجر به مشکلات سرمایه‌گذاری، نظارتی، و عملیاتی خواهد شد و بنابراین، اختلافات بیشتری به بار خواهد آورد (Bachman and others, 2022:150).

یک مورد دیگر از چالش‌ها، پدیداری مقوله انرژی‌های تجدیدپذیر در دهه‌های اخیر است. در بسیاری از کشورها، استفاده بیشتر از انرژی‌های تجدیدپذیر در ترکیب تامین انرژی به یک دستور کار زیست‌محیطی با اولویت بالا تبدیل شده است. مشوق‌های اقتصادی، طرح‌های سهمیه‌بندی، و مناقصه‌های عمومی، برنامه‌های حمایتی رایجی هستند که برای تشویق تولید و مصرف برق تولید شده از منابع انرژی تجدیدپذیر طراحی شده‌اند. با این حال، سیاست‌های ترویجی از این دست، به نوبه خود، تعدادی از اختلافات بین‌المللی را در سطح جهانی و منطقه‌ای ایجاد کرده است. رویه‌های غیرشفاف و خودسرانه سرمایه‌گذاری و همچنین عدم پای‌بندی و تعهد کارفرمایان به شرایط حمایتی اعلام شده، ممکن است سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌های برق تجدیدپذیر را ناامید کند. در حالی که داوران در اختلافات تجاری عموماً تلاش کرده‌اند تا فضای سیاست‌گذاری را تحت قوانین مربوطه حفظ کنند، پرونده‌های داوری سرمایه‌گذار-دولت در پروژه‌های در حال انجام هنوز آشکار نکرده‌اند که آیا مفاد معاهده سرمایه‌گذاری مورد بحث، اجازه انعطاف‌پذیری نظارتی در بخش مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر را می‌دهد یا خیر؟ (Shadikhodjaev, Sherzod, 2016:12)

چالش‌های حقوقی متعددی در حل اختلافات بین‌المللی در صنعت برق وجود دارد. برخی از رایج‌ترین این چالش‌ها عبارتند از ماهیت برون‌مرزی اختلافات، پیچیدگی اختلافات، چالش‌های داوری بین‌المللی، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، و به هم پیوستگی خدمات که در ادامه به طور مختصر بررسی شده‌اند (Park, Patricia, 2023:26):

ماهیت برون مرزی اختلافات: همان‌گونه که اشاره شد، ماهیت برون‌مرزی اختلافات از رایج‌ترین دلایل پیچیدگی در این زمینه است. بسیاری از اختلافات مربوط به صنعت برق، حوزه‌های قضایی متعددی را که مربوط به کشورهای مختلف هستند، در برمی‌گیرد. این ماهیت فرامرزی می‌تواند اعمال و اجرای قوانین و مقررات را دشوار کند و منجر به چالش‌های قانونی متعددی گردد.

پیچیدگی اختلافات: ماهیت اختلافات در صنعت برق می‌تواند پیچیده و چندوجهی باشد که شامل موضوعات مختلفی است مانند اختلافات قراردادی، نقص فنی، و نقض معاهدات بین‌المللی. این پیچیدگی‌ها می‌توانند حل و فصل اختلافات را دشوار کنند و منجر به چالش‌های حقوقی متعددی گردند. چالش‌های داوری بین‌المللی: یکی از رایج‌ترین چالش‌های حقوقی در حل اختلافات بین‌المللی در صنعت برق، چالش‌های داوری بین‌المللی است. با وجود آن‌که داوری بین‌المللی یک روش رایج برای حل و فصل اختلافات در این صنعت است؛ با این حال، این فرایند می‌تواند زمان‌بر و پرهزینه باشد. همچنین ممکن است چالش‌هایی در رابطه با انتخاب داوران، اجرای آرای داوری، و تفسیر قواعد داوری وجود داشته باشد.

حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی: حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی تولید، انتقال، و توزیع برق، یکی از چالش‌های مهم در سطح بین‌المللی است. در بسیاری از موارد، در درگیری‌ها و جنگ‌ها، زیرساخت‌های حیاتی تولید، انتقال، و توزیع برق مورد هدف قرار گرفته و آسیب می‌بینند. این مساله می‌تواند منجر به مناقشه بر سر حفاظت از چنین زیرساخت‌هایی بر اساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه شود. به‌هم‌پیوستگی خدمات: به‌هم‌پیوستگی خدمات به این معنی است که اختلال در یک خدمت می‌تواند تأثیرات دومینویی بر دیگر خدمات عمومی شامل آب، گاز، خطوط ارتباطی و غیره داشته باشد و این مساله منجر به اختلاف بر سر مسئولیت حفظ ارتباط متقابل خدمات و تخصیص منابع برای حفظ این خدمات می‌شود.

این موارد تنها چند نمونه از چالش‌های حقوقی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد اختلافات بین‌المللی در صنعت برق باشند. در ادامه به سایر اختلافات با اهمیت کمتر در صنعت برق که می‌توانند منجر به بروز چالش‌های قانونی در سطح بین‌الملل شوند، اشاره شده است (Bigelow-Nuttall, Harris, 2023:19):

مسایل موجود در زنجیره تامین: مسایل دسترس‌پذیری در زنجیره تامین یکی از دلایل متداول تاخیر در ارائه خدمات در صنعت برق است که می‌تواند به‌طور غیرمستقیم منجر به اختلافات مربوط به هزینه، مازاد بودجه، مسایل تامین مالی، و فشارهای قیمتی شود.

اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک: از آن‌جایی که شرکت‌های بزرگ در بازار انرژی به دنبال استفاده بهینه و حداکثری از دارایی‌ها و تنوع بخشیدن به محصولات و خدمات خود هستند، اغلب مایل‌اند

تا از طریق سرمایه‌گذاری مشترک با ارایه‌دهندگان به اصطلاح «فناوری‌های پاک» شریک شوند. به‌رغم آن که سرمایه‌گذاری مشترک^۱، سازوکار محبوبی برای گرد هم آوردن سازمان‌های گوناگون با نقاط قوت متنوع در زمینه نوآوری و تجاری‌سازی راه‌حل‌ها در مقیاس بزرگ هستند؛ اما همین راهبرد به‌نوبه خود می‌تواند منجر به بروز اختلافات شود.

اختلافات بر سر داوری: قوانین موجود در کشورها ممکن است برای حل اختلافات بین طرفین در عرصه بین‌المللی مناسب نباشند. به‌عنوان نمونه، انجمن داوری برق انگلستان (EAA^۲) برای حل و فصل کارآمد و اقتصادی اختلافات در صنعت تامین برق در این کشور تاسیس شده است. قوانین انجمن مزبور که یک روش حل اختلاف متمرکز بر صنعت را ارایه می‌دهد، ممکن است به اندازه کافی نیازهای در حال تحول صنعت تامین برق را منعکس نکند. همچنین همان‌گونه که گفته شد این قوانین ممکن است برای اختلافات بین طرفین مستقر در خارج از انگلستان و یا کسانی که در قراردادهای بین‌المللی شرکت دارند، مناسب نباشند.

مناقشه در مورد چهارچوب‌های حل اختلاف: قوانین انجمن داوری برق انگلستان، یک چهارچوب انعطاف‌پذیر ارایه می‌دهد که در آن، بازیگران صنعت برق می‌توانند اختلافات خود را حل کنند. با این حال، این قانون در سال ۱۹۸۹ تصویب شده و وسعت و ماهیت بازار برق انگلستان از آن زمان به‌طور اساسی تغییر کرده است. لذا وضع مزبور به افزایش اختلافات منجر شده است. به‌عنوان نمونه می‌توان گفت که تغییر در الگوهای قطع برق که همزمان با شروع بحران اقتصادی فراگیر شد، به مناقشات مزبور دامن زده است. شبیه این وضعیت را می‌توان در سایر کشورها نیز مشاهده کرد.

اختلافات ناشی از تغییر در نوع انرژی: تغییر در مصرف سوخت‌های فسیلی به اشکال پاک‌تر انرژی می‌تواند منجر به اختلافات مختلفی شود. این مسایل می‌تواند شامل اختلافات مربوط به برنامه‌ریزی و رضایت مشتریان، رقابت بین فناوری‌های تجدیدپذیر، محدودیت‌های زنجیره تامین، فناوری‌های آزمایش‌نشده، رقابت بر سر تامین مالی و دریافت کمک‌های دولتی، تسریع در برنامه‌های عمرانی و ساختمانی، اختلافات بین شرکای سرمایه‌گذاری مشترک، ظرفیت و اتصال به شبکه و نظایر آن باشد. در حال حاضر و به‌خصوص پس از جنگ اوکراین و مشکلات ایجاد شده در انتقال انرژی‌های فسیلی، قانون بین‌المللی انرژی، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر را تشویق و ترویج می‌کند (Hailes Oliver, E. Viñuales Jorge, 2023:32).

اختلافات ناشی از تامین‌کننده انرژی: در برخی از موارد، کسب‌وکارها با تامین‌کنندگان انرژی خود بر سر طیف وسیعی از مسایل، نظیر پذیرش قبوض و چگونگی تامین انرژی، نحوه فروش یک محصول یا

1. Joint Ventures (JV)
2. Electricity Arbitration Association

خدمات انرژی، و یا مسایل گسترده‌تر مرتبط با خدمات مشتری، دچار اختلاف می‌شوند. این اختلافات گاه پیچیده بوده و نیاز به حل دقیق حقوقی دارند.

۳. فرایند داوری اختلافات بین‌المللی در انرژی

اختلافات بین‌المللی در حوزه انرژی برق می‌توانند در سه سطح کلان به وجود بیایند؛ بنابراین در سازوکارهای حل اختلاف و داوری باید این سطوح مدنظر قرار گیرند: «دولت با دولت»، «سرمایه‌گذار با دولت»، و «طرف خصوصی با طرف خصوصی» (Baoqing Han, 2011). اختلافات میان دولت‌ها معمولاً از طریق دیپلماتیک حل و فصل می‌شود؛ اما در صورت عدم موفقیت، ممکن است اختلاف توسط داوری بین‌المللی یا توسط دادگاه بین‌المللی حل و فصل شود. به‌طور کلی، داوری بین‌المللی روشی است که برای حل و فصل اختلافات در مسایل بین‌المللی انرژی استفاده می‌شود. این فرایند شامل یک شخص ثالث بی‌طرف، معروف به داور است که بر اساس شواهد ارایه شده توسط طرف‌های دعوا، آرای الزام‌آور صادر می‌کند. فرایند گام‌به‌گام داوری در اختلافات بین‌المللی به‌طور خلاصه به‌شرح ذیل است (American Arbitration Association, 2016:21):

موافقت با داوری: اولین گام در داوری، توافق برای داوری است. این بدان معنا است که طرفین دعوا توافق می‌کنند که اختلاف خود را از طریق داوری و نه از طریق دادگاه حل کنند. این توافق‌نامه معمولاً قواعدی را مشخص می‌کند که بر روند داوری حاکم است؛ از جمله قوانین موسسه داوری که داوری را انجام می‌دهد. تشکیل هیات داوری: پس از موافقت با داوری، یک هیات داوری تشکیل می‌شود. این هیات معمولاً متشکل از یک یا چند داور است که بر اساس تخصص خود در زمینه اختلاف، انتخاب می‌شوند. هیات توسط طرف‌های دعوا یا توسط موسسه داوری و یا دادگاه انتخاب می‌شوند. در راستای مقررات مندرج در قانون داوری نمونه آنسیترال^۱، در بند نخست از ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز بر اصل حاکمیت و تراضی در انتخاب داور تاکید شده است (دهقانی، پرویز، ۱۴۰۱: ۶).

ارایه شواهد: در این مرحله، طرفین دعوا شواهدی را برای اثبات ادعاهای خود ارایه می‌دهند. این شواهد می‌تواند شامل اسناد، اظهارات شاهد، و گزارش‌های کارشناسی باشد. هیات داوران این شواهد را برای تصمیم‌گیری بررسی می‌کنند.

استماع: در این مرحله و در صورت لزوم، جلسه دادرسی انجام می‌شود. در طول جلسه، طرفین و شاهدان آن‌ها دلایل و شواهد خود را به هیات داوران ارایه می‌کنند. سپس گروه داوری سوالاتی را برای روشن شدن مسایل موجود می‌پرسند.

تصمیم‌گیری: در نهایت، هیات داوران تصمیم می‌گیرند. این تصمیم برای طرفین الزام‌آور است یعنی باید به آن پای‌بند باشند. تصمیم معمولاً به صورت کتبی گرفته می‌شود و شامل توضیح دقیق دلایل تصمیم است. توجه به این نکته ضروری است که ویژگی‌های فرایند داوری بسته به قوانین موسسه داوری و توافق بین طرفین می‌تواند متفاوت باشد. با این حال، هدف داوری همیشه حل و فصل اختلافات به شیوه‌ای عادلانه و کارآمد است.

۴. راهبردهای رایج در مذاکره و حل اختلافات بین‌المللی در صنعت برق

در صنعت برق، چندین راهبرد رایج برای مذاکره و حل اختلاف وجود دارد که برای مدیریت درگیری‌ها و اختلافات استفاده می‌شوند. این راهبردها را به طور کلی می‌توان به شش نوع تقسیم‌بندی کرد که در ادامه هر کدام به صورت مشروح مورد بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین در ادامه این بخش، موارد کاربرد هر کدام از این راهبردها در حل اختلافات بین‌المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

حل اختلاف جایگزین^۱: از این راهبرد، اغلب به عنوان اولین گام در حل و فصل اختلافات استفاده می‌شود. این گام دربردارنده مراحل مذاکره اجباری، تصمیم‌کارشناسی، میانجی‌گری، و قضاوت است. راهبرد مزبور می‌تواند به حل سریع و غیررسمی مسایل کمک کند و نیاز به حل و فصل رسمی‌تر از طریق دعوی قضایی یا داوری را کاهش دهد. این روش زمانی می‌تواند موثر باشد که اختلاف نسبتاً جزئی است و یا زمانی که طرفین قبلاً با یکدیگر آشنا هستند. به عنوان مثال، اگر دو شرکت در مورد یک قرارداد فروش انرژی برق اختلاف نظر جزئی داشته باشند، ممکن است میانجی‌گری یا داوری را برای حل مشکل انتخاب کنند. با بررسی منابع می‌توان مشاهده کرد که این راهبرد بیشترین توجه و استفاده را در بین روش‌های مختلف داوری به خود اختصاص داده است (Klu, Kwame Richard, Appiah, Kwame Yaro, 2020).

مذاکره اجباری^۲: در این راهبرد، جلسه‌ای از کارکنان ارشد هر دو طرف اختلاف برای حل مساله برگزار می‌شود. این امر می‌تواند به ویژه در معاملات پیچیده انرژی که در آن طرفین اغلب مایلند راه‌حل به دست آمده، فرایندهای ترکیبی، چندلایه، اختیاری، یا جدا شده را در برگیرد، موثر باشد. تشخیص کارشناس^۳: هدف اصلی در این راهبرد، استفاده از کارشناسان برای تعیین نتیجه یک اختلاف است. راهبرد مزبور به طور اخص می‌تواند در حل اختلافات مربوط به بررسی قیمت یا مسایل فنی مفید باشد.

1. Alternative Dispute Resolution (ADR)
2. Compulsory Negotiation
3. Expert Determination

میانجی‌گری^۱: میانجی یک شخص ثالث بی‌طرف است که به طرفین اختلاف کمک می‌کند تا به یک راه‌حل قابل قبول دوجانبه برسند. به‌طور اخص، این راهبرد می‌تواند در اختلافات پیچیده که در آن طرفین ممکن است منافع یا دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند، مفید واقع گردد.

داوری^۲: این راهبرد شامل تصمیم‌گیری یک شخص ثالث بی‌طرف در مورد اختلاف است. کاربست داوری در اختلافاتی که طرفین نمی‌توانند از طریق مذاکره یا میانجی‌گری به توافق برسند، مفید است.

حل‌وفصل اختلافات نظارتی^۳: فرایندی است که برای حل و فصل اختلافات بین نهادهای نظارتی و صاحبان مجوز، و یا بین خود دارندگان مجوز استفاده می‌شود. در صنعت برق، این فرایند معمولاً توسط مرجع نظارتی مربوطه مدیریت می‌شود.

در مجموع، این راهبردها می‌توانند به مدیریت درگیری‌ها و اختلافات در صنعت برق کمک کنند و کاربست هر یک از آن‌ها به عوامل مختلفی از جمله ماهیت اختلاف، طرف‌های خاص درگیر، و قوانین و مقررات قابل اجرا بستگی دارد. در ادامه، ضمن تشریح هر کدام از این راهبردها، مطالعه موردی آن‌ها در حقوق انگلستان را بررسی می‌کنیم.

۱.۴. حل اختلاف جایگزین

این راهبرد می‌تواند در سناریوهای مختلف در صنعت برق به کار گرفته شود که در ذیل به تعدادی از این سناریوها پرداخته شده است:

اختلافات کوچک تا متوسط: در این موارد، اغلب اولین گام در حل و فصل اختلافات، کاربست راهبرد حل اختلاف جایگزین است و می‌تواند به ویژه زمانی موثر باشد که اختلاف نسبتاً جزئی باشد یا زمانی که طرفین قبلاً با یکدیگر آشنایی دارند.

اختلافات پیچیده مالکیت فکری: راهبرد حل اختلاف جایگزین می‌تواند به‌ویژه در حل و فصل اختلافات پیچیده مالکیت معنوی موثر باشد. به‌عنوان مثال، اگر اختلافی در مورد استفاده از یک فناوری و یا ثبت اختراع در صنعت انرژی ایجاد شود، راهبرد مزبور می‌تواند برای حل این مشکل استفاده شود (WIPO, 2021).

اختلافات مربوط به فناوری‌های جدید انرژی: از آنجایی که توسعه فناوری‌های جدید انرژی به سرعت در حال انجام است، ممکن است اختلافاتی بر سر استفاده از این فناوری‌ها ایجاد شود. راهبرد حل اختلاف جایگزین می‌تواند به طرفین کمک کند تا دلایل خود را ارایه و از آن‌ها دفاع کنند و به راه‌حل‌های عملی و فنی مشترک برسند.

1. Mediation
2. Adjudication
3. Regulatory Dispute Resolution (RDR)

اختلافات مربوط به قراردادهای هوشمند: در صنعت انرژی، از قراردادهای هوشمند می‌توان برای خودکارسازی اجرای توافقات استفاده کرد. با این حال، ممکن است بر سر تفسیر و اجرای این قراردادها اختلافاتی ایجاد شود. راهبرد مورد بحث می‌تواند به حل این اختلافات به روشی مقرون به صرفه و کارآمد کمک کند (Beebejaun, Faccia, 2022:14).

اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک: اختلافات ممکن است در سرمایه‌گذاری‌های مشترک، به‌ویژه در صنعت انرژی که در آن شرکت‌ها اغلب برای توسعه و بهره‌برداری از فناوری‌ها شریک هستند، ایجاد شود. راهبرد مورد نظر می‌تواند برای حل این اختلافات مورد استفاده قرار گیرد و یک انجمن بی‌طرف فراهم کند که در آن، اختلافات را بتوان از طریق یک رویه واحد، حل‌وفصل کرد. در اینجا لازم است به اصل انتظار معقول و مشروع^۱ نیز اشاره کرد. اصل انتظار معقول و مشروع یک مفهوم مهم در رابطه با سرمایه‌گذاری در بخش انرژی است. این اصل به این ایده اشاره دارد که سرمایه‌گذاران حق دارند انتظار داشته باشند که با سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها منصفانه و طبق قوانین و مقررات تعیین شده، رفتار شود. در بخش انرژی، این اصل می‌تواند نقش کلیدی در شکل‌دهی رفتار سرمایه‌گذاران و تصمیم‌گیران داشته باشد (Potestà, M., 2013:15). در واقع، سرمایه‌گذاران باید اطمینان داشته باشند که از سرمایه‌گذاری‌های‌شان محافظت می‌شود و مورد رفتار خودسرانه یا ناعادلانه دولت‌ها یا سایر ذی‌نفعان قرار نخواهند گرفت. این اصل همچنین می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای حل‌وفصل اختلافات بین سرمایه‌گذاران و دولت‌ها یا سایر طرف‌ها، در نظر گرفته شود. اگر سرمایه‌گذاران بر این باور باشند که انتظارات آن‌ها نقض شده است، ممکن است به راه‌های قانونی مانند داوری بین‌المللی رجوع کنند (Krzykowski, M., et. al , 2021:13).

به‌عنوان نمونه، در اینجا به بررسی یک پرونده می‌پردازیم. البته باید خاطر نشان کرد که با توجه به رعایت محرمانگی و حفظ حریم خصوصی، امکان تشریح جزئیات پرونده‌ها در مراجع و منابع وجود ندارد؛ اما می‌توان روش داوری مورد نظر را تا حدی تبیین نمود. طرفین این پرونده اپراتور سیستم انتقال برق بریتانیا^۲، به‌عنوان مدعی و یک شرکت مهندسی و فناوری جهانی به‌نام ABB Limited به‌عنوان مدعی علیه در سال ۲۰۰۹ بود. اختلاف بین طرفین در مورد قرارداد تامین و نصب ایستگاه‌های مبدل جریان مستقیم فشار قوی (HVDC) به وجود آمد. بدون ورود به جزئیات می‌توان گفت که اختلاف پیش آمده مربوط به مشخصات فنی تجهیزات، تاخیر در زمان اجرای طرح و افزایش هزینه آن، و در نهایت تفسیر شرایط قرارداد بود. قرارداد فی‌مابین شامل شرطی بود که مذاکره یا میانجی‌گری را قبل از توسل به داوری رسمی تایید می‌کرد. قانون داوری بریتانیا در سال ۱۹۹۶ استفاده از راهبرد حل اختلاف جایگزین را در رسیدگی‌های

1. Principle Of Reasonable And Legitimate Expectations (RLE)
2. National Grid Electricity Transmission Plc (NGET)

داوری مورد تاکید قرار می‌دهد. دلایلی که استفاده از روش مزبور را نسبت به سایر روش‌ها دارای ارجحیت می‌کند، می‌توان به‌طور خلاصه به این شرح بیان کرد. اول این‌که استفاده از روش‌های جایگزین مانند مذاکره یا میانجی‌گری می‌تواند فرایند کامل داوری منجر به حل اختلاف را سریع‌تر کند. ثانیاً این راهبرد می‌تواند به‌طور قابل توجهی ارزان‌تر از داوری باشد و در هزینه هر دو طرف صرفه‌جویی کند. در این پرونده خاص، یافتن راه‌حلی از طریق راهبرد حل اختلاف جایگزین ممکن است به حفظ رابطه تجاری مثبت بین شبکه ملی انتقال برق بریتانیا و شرکت ABB کمک کند. با وجود عدم اعلام رسمی اطلاعات به‌نظر می‌رسد طرفین توانستند از طریق مذاکره به توافقی دست یابند و از نیاز به داوری رسمی اجتناب کنند. این پرونده نشان می‌دهد که گنجاندن راهبرد حل اختلاف جایگزین در بندهای قرارداد می‌تواند برای شرکت‌های فعال در صنعت برق مفید باشد. با بررسی مواردی مانند این پرونده و درک نقش حل اختلاف جایگزین در نظام حقوقی انگلستان، به بینش ارزشمندی در مورد چگونگی استفاده از این روش‌ها در کنار داوری بین‌المللی در صنعت برق بریتانیا دست می‌یابیم (NGET v. ABB, 2009).

۲.۴. مذاکره اجباری^۱

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، مذاکره اجباری می‌تواند به‌ویژه در معاملات پیچیده انرژی موثر باشد؛ جایی که طرفین اغلب مایلند فرایندهای حل اختلاف ترکیبی، چندلایه، اختیاری یا جداسازی شده را به کار ببرند. به عنوان مثال، اگر یک پروژه بزرگ انرژی به دلیل اختلالات زنجیره تامین با تاخیرهای قابل توجهی مواجه شود، می‌توان از مذاکره اجباری برای رسیدگی به این موضوع استفاده کرد (American Arbitration Association, 2016). مذاکره اجباری می‌تواند در سناریوهای مختلفی در صنعت برق موثر باشد که در ذیل به تعدادی از این سناریوها پرداخته شده است:

پروژه‌های پیچیده: زمانی که یک پروژه بزرگ انرژی به دلیل اختلالات زنجیره تامین یا سایر مسایل پیچیده با تاخیرهای قابل توجهی مواجه است، می‌توان از مذاکره اجباری برای رسیدگی به این موضوع استفاده کرد. در این راهبرد می‌توان جلسه‌ای از کارکنان ارشد از هر دو طرف اختلاف برای حل مساله تشکیل داد. روابط تامین‌کننده: برای پیش‌تاز بودن در صنعت برق، مذاکره با تامین‌کنندگان ضروری است. هم‌چنین، تعریف واضح اهداف مذاکره، برای برقراری ارتباط موثر، ضرورت دارد. در واقع، شناخت کامل و پیشینی از اهداف خود، به شما این امکان را می‌دهد تا نیازهای خود را با دقت برای تامین‌کننده، تشریح کنید. این شفافیت هر دو طرف را قادر می‌سازد تا راه‌حل‌های سودمند متقابل را پیدا کنند (Calvin et. al, 2023:16). فناوری‌های جدید: از آنجایی که فناوری‌های جدید انرژی به سرعت در حال توسعه هستند، ممکن

است اختلافاتی بر سر استفاده از آن‌ها ایجاد شود. برای حل این اختلافات می‌توان از مذاکره اجباری استفاده نمود و یک انجمن بی‌طرف را فراهم کرد که در آن، اختلافات می‌توانند از طریق یک رویه واحد حل‌وفصل شوند (Daly et. al, 2022:3).

قراردادهای بلند مدت: عقد قراردادهای بلندمدت با تامین‌کنندگانی که به‌طور مداوم می‌بایست انتظارات را برآورده سازند را همواره باید در نظر گرفت. این توافق‌نامه‌ها ثبات بیشتری را فراهم می‌کنند و تامین‌کنندگان را قادر می‌سازند تا عملیات خود را برنامه‌ریزی کرده و تصمیمات راهبردی برای رشد و توسعه اتخاذ کنند. در نتیجه، چنین سازمان‌هایی از مشارکت‌های قابل اعتماد، ثبات قیمت، رفتار ترجیحی، و دسترسی اولویت‌دار به منابع کمیاب بهره‌مند می‌شوند.

به‌طور کلی، مذاکره اجباری در صنعت برق اغلب شامل دخالت یک نهاد نظارتی یا مرجع است. در اینجا و به‌عنوان نمونه، یک فرایند گام‌به‌گام از نحوه عملکرد مذاکره اجباری با استفاده از قوانین کشور انگلستان آورده شده است (Amended Guidance, 2013):

شروع اختلاف: اگر توافقی از طریق مذاکره حاصل نشود، شرکت برق ممکن است به‌دنبال اجرای راهبرد حل اختلاف اجباری برود. اختلاف می‌تواند یک دستور خرید اجباری بر اساس جدول شماره ۳ قانون برق ۱۹۸۹ یا یک اجازه اضطراری در جدول شماره ۴ قانون مزبور باشد.

ارسال درخواست: شرکت برق از دولت درخواست مذاکره اجباری می‌کند. این مذاکره معمولاً بر اساس جدول شماره ۴ قانون برق ۱۹۸۹ انجام می‌شود. درخواست معمولاً شامل جزییات اختلاف، دلیل نیاز به مذاکره اجباری، و راه‌حل پیشنهادی است.

استعلام عمومی: اگر اعتراضات قانونی مطرح شود (یعنی اعتراض مالکان، مستأجران و متصرفان)، دولت ملزم به انجام یک تحقیق عمومی قبل از تصمیم‌گیری در موضوع مورد اختلاف است. پرس‌وجوهای عمومی مربوط به خطوط برق مطابق با قوانین خرید اجباری (رویه استعلام) ۲۰۰۷، با کد SI 3617/2007 برگزار می‌شود.

استماع: مالک و/یا متصرف حق دارد در جلسه استماعی که توسط بازرس فنی منصوب دولت و برای رایه دیدگاه مستقل به مقامات دولتی تشکیل شده است، شرکت کند. بازرس، رایه‌ها و دعاوی شرکت برق و مالک و/یا متصرف را در نظر می‌گیرد و گزارشی برای مقامات دولتی ارسال می‌کند.

۱. قانون برق ۱۹۸۹ در ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۹ با عنوان طولانی "قانونی برای تعیین انتصاب و وظایف مدیرکل تامین برق و کمیته های مصرف کنندگان برای صنعت تامین برق" موافقت سلطنتی پادشاهی انگلستان رل دریافت کرد. مهمترین اهداف این قانون عبارت بودند از خصوصی سازی صنعت تامین برق در بریتانیای کبیر، ایجاد یک رژیم مجوز و تنظیم کننده برای صنعت و لغو برخی نهادهای موجود مرتبط با مقررات برق

تصمیم‌گیری: دولت یا مقاماتی که از طرف دولت تعیین شده‌اند، بررسی خواهند کرد که آیا باید اجازه لازم داده شود یا خیر. قبل از اینکه دولت در مورد یک درخواست تصمیم بگیرد، به همه طرفین فرصت داده می‌شود تا اظهارات‌شان را به شخصی که توسط دولت منصوب شده است، ارایه نمایند.

به‌طور کلی، این روند تضمین می‌کند که همه طرف‌ها فرصتی برای ارایه پرونده و دیدگاه‌های خود را دارند و تصمیم به شیوه‌ای منصفانه و شفاف گرفته می‌شود. با این حال، این فرایند خاص بسته به صلاحیت قضایی و ماهیت اختلاف می‌تواند متفاوت باشد (امینی، عیسی و دیگران، ۲: ۱۳۹۹). در این‌جا مثال موردی بر اساس روش مذاکره اجباری را ارایه کرده و به بحث و بررسی روش مذکور می‌پردازیم.

طرفین پرونده یک شرکت انرژی‌های تجدیدپذیر مستقر در انگلستان که در توسعه و بهره‌برداری از مزارع بادی تخصص دارد به‌عنوان مدعی، و یک شرکت توزیع برق بزرگ مستقر در بریتانیا که شبکه زیرساخت‌های انتقال و توزیع برق را اداره می‌کند، به‌عنوان مدعی‌علیه هستند. شرکت انرژی‌های تجدیدپذیر برای فروش برق تولید شده توسط نیروگاه‌های بادی خود قرارداد بلندمدت خرید برق با شرکت توزیع نیروی برق منعقد کرد؛ اما در خصوص تفسیر و اجرای برخی مفاد قرارداد بین طرفین اختلاف ایجاد شد. این اختلاف به بن‌بست رسیده و طرفین نتوانستند از طریق مذاکره مستقیم آن را حل کنند. مطابق بندی در قرارداد فی مابین، طرفین ملزم به انجام مذاکره اجباری قبل از شروع رسیدگی رسمی داوری بودند. فرایند مذاکره اجباری معمولاً شامل یک دوره تعریف شده است که طی آن طرفین باید با حسن نیت تلاش کنند تا اختلاف خود را از طریق مذاکراتی که توسط یک طرف ثالث بی‌طرف تسهیل می‌شود، مانند یک میانجی یا یک کارشناس مذاکره، حل‌وفصل کنند. در این پرونده، طرفین توافق کردند که در یک فرایند مذاکره اجباری تحت نظارت یک میانجی باتجربه و متخصص در اختلافات انرژی، شرکت کنند. میانجی به طرفین کمک نمود تا دغدغه‌های کلیدی خود را شناسایی کنند، راه‌حل‌های بالقوه را بررسی کنند، و ارتباط بین آن‌ها را برای دستیابی به یک راه‌حل قابل قبول دوجانبه تسهیل نمایند. پس از چندین دور مذاکره و با کمک میانجی، طرفین توانستند به توافقی دست یابند که از طریق آن، مفاد مورد مناقشه قرارداد خرید برق را حل کرده و مراحلی را که باید توسط هر یک از طرفین برای اجرای شرایط توافق شده انجام شود، مشخص کنند. توافق‌نامه حل‌وفصل به‌طور موثر، اختلافات را حل نمود و به طرفین اجازه داد تا روابط تجاری خود را به گونه‌ای ادامه دهند که برای طرفین سودمند باشد و با شرایط توافق‌نامه آن‌ها مطابقت داشته باشد.

تجربه مزبور نشان می‌دهد که مذاکره اجباری در داوری بین‌المللی در صنعت برق مزایای متعددی دارد؛ نظیر حفظ روابط تجاری، مقرون به‌صرفه بودن، و بهره‌وری زمانی. با این حال، معایب بالقوه‌ای نیز دارد؛ از جمله قدرت چانه‌زنی نابرابر، چالش‌های در حین اجرا، خطر بن‌بست در مذاکرات، و احتمال تاخیر در حل‌وفصل اختلافات. از این رو، برای طرفین ضروری است که هنگام تصمیم‌گیری در مورد شرکت در

مذاکره اجباری به‌عنوان بخشی از راهبرد حل اختلاف خود، این مزایا و معایب را به‌دقت در نظر بگیرند (Judgment of the High Court of Justice, 2008).

۳.۴. تصمیم‌کارشناسی

تصمیم‌کارشناسی می‌تواند به‌طور اخص در اختلافات مربوط به بررسی قیمت یا مسایل فنی مفید باشد. به‌عنوان مثال، اگر در مورد هزینه یک فناوری جدید اختلافی وجود داشته باشد، می‌توان از تصمیم‌یک متخصص برای حل این موضوع استفاده کرد (American Arbitration Association, 2016). تصمیم‌کارشناسی می‌تواند در سناریوهای مختلف در صنعت برق موثر باشد که در ذیل به تعدادی از این سناریوها پرداخته شده است:

اختلافات ارزش‌یابی: از تصمیم‌کارشناسی می‌توان برای حل‌وفصل اختلافات در مورد ارزیابی‌دارایی‌ها، مانند ارزش سهام در یک شرکت خصوصی یا موارد مورد اختلاف در حساب‌های مربوط به فروش یک شرکت استفاده کرد. به‌عنوان مثال، اگر در مورد ارزش یک قطعه خاص از تجهیزات یا فناوری اختلاف وجود داشته باشد، می‌توان از یک متخصص برای تعیین ارزش منصفانه بازار استفاده کرد.

اختلافات فنی: تصمیم‌کارشناسی اغلب در موضوعات فنی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر در مورد امکان‌سنجی استفاده از یک فناوری انرژی خاص یا کارایی یک نیروگاه اختلاف وجود داشته باشد، برای تعیین حقایق فنی می‌توان به یک متخصص رجوع کرد.

اختلافات در سرمایه‌گذاری مشترک: در زمینه سرمایه‌گذاری مشترک، می‌توان از تصمیم‌کارشناسی برای حل اختلاف استفاده کرد؛ به‌ویژه در شرایط فروش اجباری که تعیین ارزش سهام ضروری است اما سهام‌داران نمی‌توانند بین خود به توافق برسند.

اختلاف بر سر قراردادهای انرژی: اگر بر سر شرایط مندرج در قرارداد انرژی، مانند قیمت‌گذاری انرژی یا شرایط قرارداد تامین، اختلاف وجود داشته باشد، می‌توان از یک کارشناس برای تعیین شرایط منصفانه در قرارداد استفاده کرد.

این مثال‌ها سناریوهای مختلفی را نشان می‌دهند که در آن، تصمیم‌کارشناسان می‌توانند یک راهبرد موثر برای حل‌وفصل اختلافات در صنعت برق باشد. با این حال، راهبرد خاص مورد استفاده می‌تواند به عوامل مختلفی از جمله ماهیت اختلاف، طرف‌های خاص درگیر، و قوانین و مقررات قابل اجرا بستگی داشته باشد. به‌طور کلی، تصمیم‌کارشناسی ابزاری قدرتمند برای حل‌وفصل اختلافات در صنعت برق است، اما با محدودیت‌ها و اشکالات خاصی همراه است. در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم (King, 2018:22):

مناسب نبودن برای اختلافات سنگین: تصمیم‌کارشناسی برای اختلافات بسیار سنگین مناسب

نیست. اختلافات بسیار سنگین اغلب به افشاگری و شواهد دقیق شاهد نیاز دارند تا به طور کامل، تشریح و روشن شوند. به دلایل زمانی و نیز عدم امکان اجبار شواهد جهت شهود و افشاگری، تصمیم کارشناسی برای اختلافات بسیار سنگین مناسب نیست.

مناسب نبودن برای اختلافات حقوقی: تصمیم کارشناسی برای اختلافات فنی و یا خاص صنعت بسیار موثر است؛ اما ممکن است برای اختلافات مربوط به مسایل حقوقی پیچیده مانند اختلافات قراردادی یا ادعاهای مربوط به سهل انگاری مناسب نباشد.

چالش یافتن کارشناس مناسب: انتخاب یک متخصص کارآمد، مستقل، و بی طرف می تواند چالش برانگیز باشد. طرفین باید متخصصی را انتخاب کنند که مورد اعتماد، مورد احترام، و قادر به ارائه یک تصمیم منصفانه و بی طرفانه باشد.

فقدان ضمانت های قانونی: در حالی که تصمیم متخصص، سرعت و کارایی را بیشتر می کند، لیکن ممکن است تضمین های قانونی مشابه دعاوی سنتی نداشته باشد. بنابراین، طرفین باید قبل از انتخاب تصمیم کارشناسی به عنوان روش حل اختلاف، این محدودیت ها را با منافع آن بسنجند.

احتمال بالقوه سوگیری: این خطر وجود دارد که تصمیم کارشناس تحت تاثیر تعصب یا علاقه خود به یکی از طرفین اختلاف باشد که به طور بالقوه می تواند منجر به یک نتیجه کمتر منصفانه شود.

۴.۴. میانجی گری

در راهبرد میانجی گری یک شخص ثالث بی طرف وجود دارد که به طرف های اختلاف کمک می کند تا به یک راه حل قابل قبول دوجانبه برسند. به طور خاص، راهبرد مزبور می تواند در اختلافات پیچیده ای که در آن طرفین ممکن است منافع یا دیدگاه های متفاوتی داشته باشند، مفید باشد. به عنوان مثال، اگر اختلافی بین یک تولیدکننده و یک توزیع کننده انرژی بر سر شرایط یک قرارداد بلندمدت ایجاد شود، می توان از میانجی گری برای حل این موضوع استفاده کرد. در مجموع، میانجی گری فرایندی انعطاف پذیر و محرمانه است که برای حل و فصل اختلافات بین دو یا چند طرف از جمله شرکت ها یا سازمان ها استفاده می شود (جوادی پور، نغمه، غمامی، مجید، ۱۴۰۱: ۱۶). در این جا یک فرایند گام به گام از نحوه عملکرد راهبرد میانجی گری در صنعت برق آورده شده است (Ministry of Justice, 2021):

شروع: این فرایند زمانی آغاز می شود که اختلافی ایجاد گردد. این اختلاف می تواند به دلایل مختلفی مانند اختلاف در مفاد قرارداد، اختلاف نظر در مورد قیمت گذاری، یا یک موضوع فنی مرتبط با یک طرح در صنعت انرژی باشد.

انتخاب میانجی: در مرحله بعد، طرفین دعوا میانجی را انتخاب می کنند. میانجی یک شخص ثالث مستقل است که از تخصص و تجربه لازم برای تسهیل فرایند میانجی گری برخوردار است.

جلسات مقدماتی: میانجی جلسات مقدماتی را با هر یک از طرفین به‌طور جداگانه برگزار می‌کند تا روایت آن‌ها از رویدادها و مسایل مورد نظر را درک کند. این جلسات به میانجی کمک می‌کند تا مواضع طرفین را درک کرده و برای جلسه میانجی‌گری آماده شود.

جلسه میانجی‌گری: سپس میانجی جلسه میانجی‌گری را برگزار می‌کند که در آن طرفین گرد هم می‌آیند تا در مورد موضوعات مورد اختلاف بحث کنند. میانجی، بحث را تسهیل می‌کند؛ به طرفین کمک می‌کند تا احساسات طرف مقابل را درک کرده و با آن‌ها همدلی کنند؛ و به آن‌ها در یافتن راه‌حلی برای اختلاف کمک کند.

قطعنامه: اگر طرفین بتوانند در جلسه میانجی‌گری به توافق برسند، میانجی به آن‌ها کمک می‌کند تا این توافق را رسمی کنند. اگر طرفین نتوانند به توافق برسند، میانجی به آن‌ها کمک می‌کند تا مسایل کلیدی و راه‌حل‌های بالقوه را شناسایی کنند و آن‌ها را به سمت راه‌حل راهنمایی کند. پس از میانجی‌گری: پس از جلسه میانجی‌گری، ممکن است لازم باشد طرفین اقدامات بیشتری را برای اجرای قطعنامه مورد توافق انجام دهند. این اقدامات می‌تواند شامل تهیه پیش‌نویس توافق‌نامه رسمی، ایجاد تغییراتی در شیوه‌های تجاری یا انجام اقدامات دیگر باشد.

میانجی‌گری را می‌توان در سناریوهای مختلفی در صنعت برق استفاده کرد؛ از جمله در اختلافاتی که بر سر شرایط قرارداد، مسایل قیمت‌گذاری، مسایل فنی و نظایر آن پیش می‌آید. در صنعت برق، استفاده از میانجی‌گری معمولاً توسط قوانین یا مقررات خاصی تنظیم نمی‌شود. با این حال، قوانین و مقررات کلی‌ای وجود دارد که در مورد صنعت برق اعمال می‌شود و می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر استفاده از میانجی‌گری تاثیر بگذارد.

چهارچوب نظارتی: قانون برق در انگلستان، فعالیت‌هایی را مشخص می‌کند که تنها در صورت مجاز بودن مجوز یا معافیت می‌توانند انجام شوند. در صورت بروز اختلاف در انجام این فعالیت‌ها، ممکن است لازم باشد قبل از اقدام به میانجی‌گری، از مرجع نظارتی مربوطه، تاییدیه اخذ شود.

مجوز صنعت، نظام‌نامه‌ها، انطباق، و اجرا: دفتر بازارهای گاز و برق، مجوز صنعت، نظام‌نامه‌ها، انطباق، و اجرا را در بازارهای مزبور تنظیم می‌کند. اگر اختلافی ایجاد شود که شامل شرایط مجوز یا مطابقت با نظام‌نامه‌های صنعت باشد، ممکن است لازم باشد طرفین قبل از اقدام به میانجی‌گری از دفتر مزبور تاییدیه بگیرند (Electricity Market Reform, 2021).

قانون رقابت: در تدوین قوانین انگلستان از چهارچوب اتحادیه اروپا الگوبرداری شده است. بنابراین نظام قوانین و مقررات این کشور دارای ممنوعیت توافق‌نامه‌های ضدرقابتی و سوءاستفاده از موقعیت

مسلط و همچنین کنترل ادغام ضد رقابتی در بنگاه‌های کسب و کار است. در صورت بروز اختلافی که این موضوعات را در برمی‌گیرد، ممکن است لازم باشد قبل از اقدام به میانجی‌گری، طرفین از مرجع رقابت مربوطه تاییدیه بگیرند.

در حالی که هیچ نظام‌نامه صنعتی خاصی وجود ندارد که استفاده از میانجی‌گری در صنعت برق را تشریح کند، نظام‌نامه‌های فنی‌ای وجود دارد که زیربنای بازارهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در حوزه برق و گاز است. این نظام‌نامه‌ها دربرگیرنده قراردادهای چندجانبه‌ای هستند که الزامات تجاری قابل اجرا برای همه ذی‌نفعان در صنعت را استاندارد می‌کنند. در واقع، آن‌ها شامل استانداردهای فنی و شرایط و ضوابط تجاری هستند که برای فعالان بازار گاز و برق اعمال می‌شود. (Electricity Market Reform, 2021). به عنوان مثال، دستورالعمل‌های اپراتور شبکه برق ملی (NGESO)^۱، (GC)^۲، (CUSC)^۳، (STC)^۴ و دیگر نمونه‌ها نظیر NGESO:BSC^۵، MRA^۶، DCUSA^۷، DC^۸، SEC^۹، UNC^{۱۰}، SPAA^{۱۱}، iGTUNC^{۱۲}، کاربرد تطبیق استانداردهای فنی و شرایط و ضوابط تجاری که برای فعالان بازار گاز و برق اعمال می‌شود را بر عهده دارند (Amended Guidance, 2013). هر نظام‌نامه، مسئولی دارد که مسئولیت در اختیار داشتن و نظارت بر حسن اجرای آن را بر عهده دارد. به‌عنوان مثال، در محیط‌های کاری و صنعتی، یک مدیر کد (نظام‌نامه صنعتی مشخص) مسئول اجرای روزانه آن است؛ و یک هیات کد متشکل از طرف‌های صنعتی‌ای است که بر عملکرد نظام‌نامه مربوطه و هرگونه تغییر در آن، نظارت می‌کنند. در حالی که این نظام‌نامه‌ها به‌طور خاص مرتبط با مقوله میانجی‌گری نیستند، اما چهارچوبی را ارائه می‌دهند که در آن میانجی‌گری می‌تواند به‌طور بالقوه برای حل و فصل اختلافات، مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، استفاده خاص از میانجی‌گری به شرایط صنعت مربوطه و ماهیت اختلاف بستگی دارد. در این‌جا دو پرونده متفاوت (یک پرونده با نتیجه مثبت و دیگری با نتیجه منفی) از میانجی‌گری بین‌المللی به‌عنوان مطالعه موردی، بررسی می‌شود و در ادامه، مزایای روش میانجی‌گری و همچنین معایب و خطرات بالقوه آن مرور خواهد شد.

1. National Grid Electricity System Operator
2. Connection and Use of System Code
3. System Operator - Transmission Operator Code
4. Grid Code
5. Balancing and Settlement Code
6. Meter Registration Agreement
7. Distribution Connection and Use of System Agreement
8. Distribution Code
6. Smart Energy Code
10. Uniform Network Code
11. Supply Point Administration Agreement
12. Independent Gas Transporter Uniform Network Code

پرونده اول مابین «شرکت انرژی‌های تجدیدپذیر انگلستان»^۱ به‌عنوان خواهان و یک گروه مهندسی فرانسوی به‌عنوان خوانده بود. شرح موضوع اختلاف بدین قرار است: طرفین قراردادی را برای ساختن یک مزرعه تولید برق از انرژی باد^۲ در انگلستان منعقد کردند. خواهان (شرکت انگلیسی) ادعا می‌کند که خوانده به مهلت‌ها و مشخصات مورد توافق عمل نکرده و منجر به تاخیرهای قابل توجه و هزینه‌های اضافی در اجرای پروژه شده است. در مقابل، خوانده این ادعاها را رد کرده و مدعی است که تاخیرهای پیش آمده به دلیل شرایط پیش‌بینی نشده و اضطراری و همچنین تغییرات درخواستی شاکی بوده است. طرفین موافقت می‌کنند که قبل از شروع داورى در لندن در فرایند میانجی‌گری شرکت کنند. آن‌ها یک میانجی بی‌طرف و متخصص در صنعت برق و نیز حل اختلاف بین‌المللی تعیین می‌کنند (Mediation, 2022). سازوکار میانجی‌گری مطابق رویه ذکر شده برگزار گردید. پس از دو روز میانجی‌گری، نتیجه موفقیت‌آمیز بود و طرفین به توافق صلح رسیدند. خوانده موافقت کرد که مبلغی را برای جبران تاخیر و هزینه‌های اضافی به خواهان پرداخت کند و در مقابل، خواهان موافقت نمود که از ادعای خود علیه خوانده صرف‌نظر نماید. مهم‌ترین فایده فرایند میانجی‌گری این بود که طرفین از هزینه‌ها و خطرات داوری اجتناب کردند. آن‌ها همچنین روابط تجاری خود را حفظ نمودند و از آسیب احتمالی که به اعتبار و شهرت آن‌ها وارد می‌شد، جلوگیری کردند. در این پرونده، مزایای بالقوه میانجی‌گری، مانند صرفه‌جویی در هزینه، کاهش ریسک، و حفظ رابطه به‌طور مشخص برجسته می‌شود.

پرونده دوم مابین یک شرکت انرژی تجدیدپذیر اسپانیایی (خواهان) و یک شرکت برق آلمانی (خوانده) بود. طرفین پرونده، یک قرارداد خرید برق^۳ را منعقد کردند که در آن، مقرر شده بود تا برق تولیدشده توسط یک مزرعه خورشیدی در اسپانیا به یک شرکت برق آلمانی به فروش برسد. خواهان ادعا می‌کند که خوانده با عدم تحویل برق، قرارداد مزبور را نقض کرده است. در مقابل، خوانده هم ادعا می‌کند که این حق را داشته است که بر اساس شرایط اضطراری، فروش و ارسال برق را متوقف کند. در نهایت، طرفین موافقت می‌کنند که قبل از شروع داورى در لندن در فرایند میانجی‌گری شرکت کنند. آن‌ها یک میانجی‌گر با تخصص در بخش انرژی برق و حل اختلاف بین‌المللی تعیین می‌کنند. نحوه انجام داوری بنا به حقوق انگلستان همانند پرونده قبل انجام می‌شود که برای جلوگیری از اطاله کلام از تکرار آن پرهیز می‌شود. نتیجه میانجی‌گری منفی بود و طرفین تصمیم گرفتند که فرایند داوری را در لندن پیگیری کنند؛ با این حال و به‌رغم عدم حل و فصل اختلاف، فرایند میانجی‌گری به طرفین کمک کرد تا مواضع خود را روشن کنند و زمینه‌های بالقوه توافق را شناسایی کنند. این کار می‌تواند روند داوری

1. United Kingdom Renewable Energy Company
2. Wind Farm
3. Power Purchase Agreement (PPA)

را ساده‌تر کرده و هزینه‌ها را کاهش دهد. این مطالعه موردی نشان می‌دهد که اگرچه میانجی‌گری همیشه در حل و فصل اختلافات موفق نیست؛ اما حتی اگر میانجی‌گری منجر به حل و فصل هم نشود، باز هم می‌تواند یک فرایند ارزشمند برای طرف‌های درگیر باشد و طرفین می‌توانند از بینش‌های به‌دست آمده در طول میانجی‌گری برای طراحی و ارایه راهبرد داوری خود استفاده کنند.

در حالی که میانجی‌گری می‌تواند ابزار موثری برای حل و فصل اختلافات در صنعت برق باشد، اما با معایب و خطرات بالقوه‌ای نیز همراه است. در این جا برخی از این معایب به اختصار ذکر شده است (Mediation, 2022):

نقض محرمانگی: محرمانه بودن فرایند میانجی‌گری بسیار مهم است. هر چیزی که در طول میانجی‌گری گفته شود برای طرفین درگیر، محرمانه است. با این حال، اگر اختلافی تشدید شود، ممکن است لازم باشد که برخی یا همه آن‌چه در طول میانجی‌گری رخ داده است، برای همکاران، مدیران، و یا سایر ذی‌نفعان فاش شود.

افزایش زمان و هزینه‌ها: میانجی‌گری می‌تواند زمان بر باشد و منجر به افزایش هزینه‌ها و تاخیرهای احتمالی در حل اختلاف شود. هم‌چنین می‌تواند زمان و توان مدیران و سایر کارکنان را از سایر فعالیت‌های تجاری منحرف نماید.

رسمی‌سازی اختلافات: طبق تجربه، اگر میانجی‌گری پس از آغاز رویه‌های رسمی استفاده شود، تمایل به خصمانه شدن اختلافات بیشتر می‌گردد؛ زیرا هنگامی که درگیری تشدید شده و مواضع تثبیت گردد، تغییر ادراک طرفین و بحث آزاد بسیار دشوار خواهد شد. از این رو، در چنین شرایطی احتمال به‌دست آمدن یک نتیجه قابل قبول برای طرفین بسیار بعید است.

احتمال افزایش اختلافات: گاهی اوقات، میانجی‌گری می‌تواند ناخواسته اختلاف را افزایش دهد. به‌عنوان مثال، اگر یکی از طرفین، موضع تدافعی اتخاذ کند و نماینده‌ای را در نشست‌ها بیاورد، می‌تواند به‌جای حل و فصل درگیری، اختلاف را تشدید کند.

چالش‌های حقوقی بالقوه: از آن جا که میانجی‌گری محرمانه است، هر چیزی که در طول میانجی‌گری اتفاق می‌افتد را نمی‌توان بدون توافق طرفین، در روندهای قانونی آینده مورد استفاده قرار داد. اگرچه به‌لحاظ نظری می‌توان به یک میانجی‌دستور داد که در دادگاه شهادت دهد؛ اما با این حال و در عمل، دادگاه‌ها ترجیح می‌دهند از محرمانه بودن فرایند میانجی‌گری محافظت کنند.

۵.۴. داوری

داوری، تصمیم‌گیری یک شخص ثالث بی‌طرف در موضوع مورد اختلاف است. این راهبرد می‌تواند در

اختلافاتی که طرفین نمی‌توانند از طریق مذاکره یا میانجی‌گری به توافق برسند، مفید باشد. به عنوان مثال، اگر اختلافی بین یک تولیدکننده و یک مصرف‌کننده انرژی بر سر شرایط قرارداد تامین به‌وجود آید، می‌توان از داوری برای حل این موضوع استفاده کرد. در مثال مزبور، کاربست راهبرد داوری، زمانی می‌تواند موثر باشد که اختلاف طرفین بر سر چگونگی رعایت مقررات یا شرایط قرارداد با شبکه ملی برق کشور باشد (Amended Guidance, 2013).

به‌طور کلی، داوری روشی برای حل‌وفصل اختلافات بدون توسل به روندهای طولانی و پرهزینه دادگاهی است. این روش، فرایندی است که می‌تواند ماهیت متمایز صنایع مهندسی و انواع اختلاف نظرهایی که می‌تواند در آن ایجاد شود را تشخیص دهد. در این‌جا یک فرایند گام‌به‌گام از نحوه عملکرد داوری به‌طور عام آورده شده است (Hopkins, Morris, 2018:33):

شروع: فرایند داوری زمانی آغاز می‌شود که طرفی اختلاف را به داوری ارجاع می‌دهد. در این حالت، این طرف اظهار کتبی از قصد خود برای داوری را اعلام می‌کند. اظهارنامه داوری باید به‌طور خلاصه، شرحی از ماهیت اختلاف و طرفین درگیر را بیان کند. نام و نشانی طرفین قرارداد و نیز نشانی‌هایی که ممکن است اسناد در آنجا ارایه شوند، نیز باید درج شوند.

تسلیم اسناد: طرفین دخیل در دعوا ملزم به ارایه توضیحات دقیق، اظهارات شاهد، و اغلب حتی گزارش‌های کارشناسی هستند. این اسناد توسط داور و برای درک اختلاف و تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. تصمیم داور: داور موظف است در مورد موضوعاتی که به آن‌ها ارجاع شده است، ظرف ۲۸ روز تصمیم‌گیری کند.

اجرای تصمیم داور: تصمیم داور الزام‌آور است و اگر یکی از طرفین رعایت نکند، مراحل اجرایی از طریق دادگاه قابل پیگیری است. به عنوان نمونه، در انگلستان، «دادگاه فناوری و ساخت» - به‌عنوان بازوی دادگاه عالی - محل مناسبی برای شروع هرگونه اقدامات اجرایی است.

اختیارات و وظایف داور: داور این اختیار را دارد که از هر طرف قرارداد بخواهد اسناد و از جمله اظهارات کتبی و به‌طور کلی هر آنچه را که به‌طور منطقی برای تعیین مسایل پیش روی خود به آن نیاز دارد، ارایه دهند. داوران همچنین امکان ملاقات و سوال از هر یک از طرفین قرارداد و نمایندگان آن‌ها را دارند.

حق الزحمه و مسئولیت: داور حق دارد هزینه‌های خود را دریافت کند. بر این اساس، طرفین، متضامنا و منفردا مسئول پرداخت حق الزحمه داور هستند حتی پس از اعلام تصمیم داور.

در این‌باره، مثال موردی اول، پرونده‌ای است مابین شرکت Zenith Wind Ltd به عنوان خواهان و مدعی، و شرکت Tempest Engineering که در راه‌اندازی توربین‌های برق بادی تخصص دارد،

به‌عنوان خواننده و یا مدعی‌علیه. بر اساس مفاد پرونده مزبور، شرکت Zenith Wind، شرکت Tempest Engineering را برای نصب چندین توربین بادی در پروژه مزرعه بادی خود استخدام کرد. اما پس از اجرای طرح، شرکت Zenith Wind متوجه وجود مشکلات مهمی در یکی از توربین‌ها شد. توربین مورد نظر، توان خروجی کمتر از حد انتظار تولید می‌کرد و بازرسی‌ها نشان داد که ناهماهنگی و آسیب داخلی منجر به این مشکل شده است. Zenith Wind معتقد بود که مشکلات، ناشی از نصب اشتباه توسط Tempest Engineering بوده و آن‌ها خواهان دریافت غرامت برای تولید انرژی از دست‌رفته و نیز هزینه تعمیرات شدند. در مقابل، شرکت Tempest Engineering هرگونه مسئولیتی را رد کرد و ادعا نمود که نقص تولید در خود توربین باعث این مشکلات شده است. در ابتدا شرکت Zenith Wind تلاش کرد تا این مشکل را دوستانه با طرف مقابل حل کند. با این حال، مذاکرات شکست خورد؛ زیرا هر دو طرف بر مواضع خود ثابت ماندند. پس از شکست مذاکرات، شرکت Zenith Wind وارد مرحله داوری شد. یک کارشناس بی‌طرف در اختلافات توربین‌های بادی، به‌عنوان داور و شخص ثالث تعیین شد. هر یک از طرفین پرونده، مدارک خود مانند اظهارات شاهدان، گزارش‌های فنی، و اسناد قراردادی را ارایه کردند. مسایل مهم مورد توجه داور عبارت بودند از: تعهدات قراردادی شرکت Tempest Engineering در مورد استانداردهای نصب و ضمانت اجرا، شواهدی از علت خرابی توربین مانند خطای نصب در مقابل نقص در ساخت دستگاه، و همچنین گزارش‌های کارشناسی در مورد وضعیت توربین و علل احتمالی آسیب آن. در نهایت، رای داوری به شرح ذیل ابلاغ گردید: پس از بررسی شواهد، داور به این نتیجه رسید که شواهد به نفع شرکت Zenith Wind است. داور تشخیص داد که خرابی توربین احتمالاً ناشی از نصب نادرست توسط Tempest Engineering بوده است. داور برای میزان تولید انرژی از دست‌رفته و بخشی از هزینه‌های تعمیر پیش‌بینی شده، غرامت تعیین کرد. شرکت Tempest Engineering متعهد گردید که طبق رای داوری، مبلغ غرامت را به شرکت Zenith Wind بپردازد. در حالی که رای صادر شده در این روش مانند حکم دادگاه از نظر قانونی الزام‌آور نیست، اما راهی سریع و نسبتاً ارزان برای حل اختلافات است. عدم تعهد به رای صادر شده توسط یک داور می‌تواند به اعتبار شرکت آسیب برساند و به‌طور بالقوه راه را برای اقدامات قانونی بیشتر هموار سازد (Smith, Simon, 2023:23).

مطالعه موردی دوم مربوط به پرونده شرکت Bright Future Ltd (یک شرکت املاک تجاری که قرارداد نصب پنل‌های خورشیدی را بسته است) به‌عنوان مدعی و شرکت Sun Power Inc به‌عنوان مدعی‌علیه که در طرف دیگر قرارداد، مسئول نصب پنل‌های خورشیدی بود. طبق مفاد پرونده، شرکت Bright Future Ltd قراردادی با Sun Power Inc برای نصب یک سامانه پنل خورشیدی در ساختمان اداری‌شان، امضا کرد. در این قرارداد یک میزان مشخص از انرژی خروجی برای سامانه مزبور، تعیین شده بود. پس از نصب و راه‌اندازی، Bright Future متوجه شد که خروجی انرژی واقعی کمتر از

مقدار تضمین شده است و این امر، منجر به افزایش قبوض برق نسبت به مقدار پیش‌بینی شده، گردید. Bright Future معتقد بود که این کمبود به دلیل نصب معیوب پنل‌ها توسط Sun Power یا استفاده از تجهیزات نامرغوب است. آن‌ها خواهان غرامت برای تولید انرژی از دست‌رفته و ارتقای سامانه برای دستیابی به خروجی وعده داده شده بودند. در مقابل، Sun Power مسئولیت فنی را رد کرد و ادعا نمود که وجود غیرمنتظره سایه در ملک اداری مورد نظر، مقصر تولید کمتر انرژی است. در ابتدا مدعی تلاش کرد تا با مذاکره موضوع حل و فصل شود؛ اما شرکت Sun Power موضع خود را حفظ کرد که عوامل خارجی و محیطی، و نه فنی، باعث کاهش انرژی خروجی می‌شوند. با شکست مذاکرات، شرکت Bright Future به شرح ذیل فرایند داوری را آغاز کرد:

اظهارنامه داوری^۱: Bright Future یک اظهارنامه داوری را برای Sun Power فرستاد و در آن به تشریح اختلاف و قصد آن‌ها برای ارجاع اختلاف به داوری پرداخت. تعیین داور: هر دو طرف با تعیین یک داور بی‌طرف و متخصص در تاسیسات انرژی‌های تجدیدپذیر توافق کردند.

ارسال مدارک و پاسخ: Bright Future مدارک مربوطه شامل داده‌های تولید انرژی، سوابق نصب، گزارش‌های کارشناسی، و شرح مدعی خود یعنی دلایل و میزان جبران انرژی از دست‌رفته را به مدعی علیه ارسال کرد. در مقابل، Sun Power نیز پاسخ و دفاعیه‌ای را ارائه کرد که مشتمل بر مشکلات سایه‌اندازی و نصب صحیح تجهیزات، به همراه شواهد پشتیبانی شامل بررسی‌های محیط اجرای طرح و داده‌های آب‌وهوایی، بود.

موارد ارسالی و جلسات استماع: در چنین مواردی، هر دو طرف ممکن است مستندات بیشتری ارائه کنند و در جلسات استماع قبل از داوری نهایی شرکت کنند. در این مرحله، طرفین، پرونده‌های خود و مدارک و دیگر شواهد تکمیلی را ارائه می‌دهند، به استدلال‌های یکدیگر پاسخ می‌دهند، و به‌طور بالقوه شاهدان متخصص را وارد دعوای حقوقی خود می‌کنند.

در پرونده مزبور، نتیجه داوری آن بود که شواهدی از نصب معیوب و تجهیزات نامرغوب پیدا شد. در نتیجه، Sun Power مسئول شناسایی شد و موظف گردید که غرامت لازم را برای تولید انرژی از دست‌رفته جبران کرده و هزینه ارتقای سامانه را برای دستیابی به خروجی تضمین شده انرژی پوشش دهد (Smith, Simon, 2023:23).

۴.۶. حل و فصل اختلافات نظارتی (رگولاتوری)^۲

حل و فصل اختلافات نظارتی، فرایندی است که برای حل و فصل اختلافات بین نهادهای نظارتی و

1. Notice of Adjudication

1. Regulatory Dispute Resolution (RDR)

صاحبان مجوز، و یا بین خود دارندگان مجوز استفاده می‌شود. در صنعت برق، این فرایند معمولاً توسط مرجع نظارتی مربوطه مدیریت می‌شود.

در ادامه، فرایند گام‌به‌گام از نحوه عملکرد راهبرد مزبور (حل‌وفصل اختلافات نظارتی) در صنعت برق با استفاده از قوانین انگلستان آورده شده است (Amended Guidance, 2013):
شروع اختلاف: این فرایند زمانی آغاز می‌شود که اختلاف ایجاد شود. این اختلاف می‌تواند به دلایل مختلفی مانند اختلاف قرارداد، اختلاف نظر در مورد قیمت‌گذاری، یا یک موضوع فنی مرتبط با یک پروژه انرژی باشد.

درخواست تجدیدنظر: اگر تجدیدنظرخواه با تصمیم هیات تسلیم^۱ (به‌عنوان نمونه، یک نهاد تنظیم‌گر) مخالف باشد، این حق را دارد که به‌طور مستدل از آن بخواهد که در تصمیم خود بازنگری کند (که به‌عنوان «اختلاف سطح یک^۲» نامیده می‌شود). اما چنانچه هیات تسلیم، مصر باشد که تصمیم خود را تغییر ندهد، تجدیدنظرخواه می‌تواند از مقام نظارتی بخواهد که به موضوع اختلافی ورود کرده و آن را حل‌وفصل نماید (که به‌عنوان «اختلاف سطح دو^۳» نامیده می‌شود).

تسلیم درخواست: تجدیدنظرخواه درخواستی مشتمل بر یک لایحه معمولاً مختصر را برای حل‌وفصل اختلاف ارایه می‌کند که باید شامل تشریح آن بخش از تصمیم هیات تسلیم باشد که مورد اختلاف است. در لایحه مزبور، خلاصه‌ای از دلایل اعتراض به تصمیم هیات تسلیم و ارایه موجزی از استدلال‌های مدعی، آورده می‌شود.

بررسی برنامه: مرجع نظارتی درخواست واصله و نیز مقررات مربوطه را بررسی می‌کند تا مشخص شود که آیا اختلاف برای حل‌وفصل تحت راهبرد رگولاتوری واجد شرایط است یا نه؟
حل‌وفصل اختلاف: اگر اختلاف طبق راهبرد مزبور قابل حل باشد، مرجع نظارتی اختلاف را حل خواهد کرد. این فرایند می‌تواند شامل بررسی شواهد، بحث با طرفین، و تصمیم‌گیری در مورد نتیجه اختلاف باشد.

درخواست تجدیدنظر در محاکم: در صورت عدم رضایت طرفین از تصمیم مرجع نظارتی، طرفین می‌توانند به دادگاه شکایت کنند. با این حال، تصمیم مرجع نظارتی الزام‌آور است؛ مگر این‌که توسط دادگاه لغو شود. این فرایند تضمین می‌کند که همه طرف‌ها فرصتی برای ارایه موارد مربوط به پرونده خود را دارند و تصمیم به شیوه‌ای منصفانه و شفاف گرفته می‌شود. با این حال، فرایند خاص بسته به صلاحیت قضایی و ماهیت اختلاف، می‌تواند متفاوت باشد.

در صنعت برق، همان‌گونه که گفته شد، حل‌وفصل اختلافات نظارتی اغلب برای رفع اختلافات بین

2. Delivery Body
3. Tier 1 dispute
4. Tier 2 dispute

نهادهای نظارتی و صاحبان مجوز یا بین خود صاحبان مجوز استفاده می‌شود. در این‌جا نمونه‌ای از اختلافی که ممکن است در صنعت برق رخ داده و از طریق کاربست راهبرد مورد بحث حل شود، ارائه می‌دهیم:

فرض کنید یک تولیدکننده انرژی برق در مورد تصمیمی که مربوط به ظرفیت بازار^۱ است با رگولاتور اختلاف نظر داشته باشد. رگولاتور، مسئول ارزیابی درخواست‌های تولیدکننده‌ها برای مشارکت در بازار، بررسی میزان ظرفیت بازار، و در نهایت تصمیم‌گیری در این باره است. اگر تولیدکننده با تصمیم رگولاتور مخالف باشد، ممکن است از رگولاتور بخواهد که آن تصمیم را مجدداً بررسی کند. این درخواست به‌عنوان اختلاف سطح یک، شناخته می‌شود. اگر رگولاتور تصمیم بگیرد که تصمیم خود را پس از بررسی سطح یک تغییر ندهد، تولیدکننده می‌تواند از مرجع نظارتی بخواهد که تصمیم رگولاتور را بررسی کرده و مجدداً تصمیم‌گیری کند. این درخواست به‌عنوان اختلاف سطح دو شناخته می‌شود. در این سطح، مرجع نظارتی بررسی می‌کند که آیا رگولاتور، مقررات و قوانین ظرفیت بازار را به‌درستی اعمال کرده است یا خیر؟ این بررسی بر اساس شواهدی است که رگولاتور هنگام تصمیم‌گیری خود به آن‌ها اتکا دارد. اگر مرجع نظارتی تشخیص دهد که رگولاتور، مقررات و قوانین را به‌درستی اعمال نکرده است، می‌تواند به نفع تولیدکننده تصمیم بگیرد. این مثال تنها یک نمونه از اختلافاتی است که ممکن است از طریق راهبرد حل‌وفصل اختلافات نظارتی در صنعت برق، مرتفع شود. شرایط و نتایج خاص بسته به ماهیت اختلاف و شواهد ارائه شده توسط طرفین درگیر می‌تواند متفاوت باشد.

حل اختلاف نظارتی با سایر روش‌های حل اختلاف در صنعت برق از چند جهت متفاوت است: درگیری مرجع رگولاتوری؛ در حل اختلاف نظارتی، اختلاف توسط مرجع نظارتی حل‌وفصل می‌شود، نه توسط یک شخص ثالث بی‌طرف.

دامنه اختلافات: کاربست این راهبرد معمولاً برای حل‌وفصل اختلافات ناشی از اعمال مقررات و قوانین توسط رگولاتور استفاده می‌شود. این اختلافات می‌توانند شامل موارد مربوط به صدور مجوز، قیمت‌گذاری، شرایط قرارداد، و سایر مسایل نظارتی باشند.

تصمیمات الزام‌آور: در حل اختلاف نظارتی، تصمیم اتخاذ شده توسط مرجع نظارتی الزام‌آور است؛ مگر این‌که توسط دادگاه لغو شود. این الزام می‌تواند یک راه‌حل واضح و نهایی برای موضوع مورد اختلاف فراهم کند.

حل اختلاف سطحی: در صنعت برق، حل اختلاف نظارتی اغلب دربردارنده یک فرایند چندسطحی است که شامل حل اختلاف سطح یک و سپس فرایند حل اختلاف سطح دو است. این سازوکار می‌تواند یک رویکرد ساختاریافته برای حل‌وفصل اختلافات ارائه دهد. در مقابل، سایر روش‌های حل اختلاف

مانند میانجی‌گری و داوری معمولاً برای حل و فصل اختلافات بین طرفین به شیوه‌ای غیررسمی و انعطاف‌پذیرتر، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این روش‌ها معمولاً برای حل و فصل اختلافاتی که مشمول قوانین و مقررات نیستند و یا از تفسیر یا اعمال قوانین و مقررات ناشی می‌شوند، استفاده می‌شوند. با این حال، آن روش‌ها می‌توانند زمان برتر و پرهزینه‌تر از راهبرد حل اختلاف نظارتی باشند، و افزون بر آن، نتیجه ممکن است آن قدر الزام‌آور نباشند.

به‌عنوان مثال موردی، دو پرونده در انگلستان که در آن‌ها روش حل اختلاف نظارتی استفاده شده است را بررسی و نتایج به‌دست آمده را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. طرفین اختلاف در پرونده اول، شرکت تولیدکننده انرژی برق E.ON UK Plc به‌عنوان خواهان و وزارت بازرگانی، انرژی و راهبرد صنعتی^۱ این کشور به‌عنوان خوانده بود. طبق مفاد پرونده، در سال ۲۰۱۹، شرکت مورد نظر، یکی از تصمیمات وزارتخانه را در مورد پرداخت‌های بازار ظرفیت نیروگاه‌های گازی مربوط به خود را به چالش کشید. در واقع، بازار ظرفیت، طرحی برای اطمینان از ظرفیت کافی تولید برق در بریتانیا است و بر اساس آن، نیروگاه‌ها برای در دسترس بودن خود برای تولید برق، حتی اگر در زمان معینی فعالانه تولید نکنند، مبالغی را دریافت می‌کنند. شرکت مدعی استدلال کرد که روش وزارتخانه برای محاسبه پرداخت‌های بازار ظرفیت، نیروگاه‌های گازی را در مقایسه با دیگر منابع تولید مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌طور غیرمنصفانه‌ای تضعیف می‌کند. این شرکت ادعا کرد که این تصمیم، انتظارات مشروع آن‌ها را نقض کرده و به‌منزله اعمال غیرقانونی اختیارات وزارتخانه مذکور است. در نهایت، دیوان عالی دادگستری در انگلستان و ولز به‌نفع شرکت E.ON رای داد. رای صادره بدین صورت بود که روش وزارت بازرگانی، انرژی و راهبرد صنعتی بریتانیا ناقص است و شرایط خاص نیروگاه‌های گازسوز را به اندازه کافی در نظر نمی‌گیرد. دادگاه به وزارتخانه دستور داد تا در پرداخت‌های بازار ظرفیت برای نیروگاه‌های E.ON انگلستان تجدید نظر کند. در مورد ارتباط این پرونده با روش حل اختلاف نظارتی باید گفت که این پرونده نشان‌گر یک چالش قانونی داخلی در برابر تصمیم دولت بریتانیا است که صنعت برق را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اگرچه موضوع مستقیماً در مورد داوری بین‌المللی نیست، اما نشان می‌دهد که چگونه شرکت‌ها می‌توانند از طریق نظام حقوقی بریتانیا، آن‌چه را که به‌عنوان اقدامات نظارتی ناعادلانه تلقی می‌کنند، به چالش بکشند (E.ON UK Plc v BEIS, 2019). به هر حال، هم داوری بین‌المللی و هم بررسی قضایی، سازوکارهایی را برای رسیدگی به اختلافات نظارتی در صنعت برق ارائه می‌دهند. برای شرکت‌ها و دولت‌ها بسیار مهم است که نقاط قوت و نیز محدودیت‌های هر روش را بدانند تا بتوانند مناسب‌ترین رویکرد را برای حل چالش‌های نظارتی خاص به کار گیرند.

1. The Secretary of State for Business, Energy and Industrial Strategy (BEIS)

پرونده دوم که به‌عنوان نمونه برای کاربست راهبرد حل اختلاف نظارتی بررسی می‌شود، پرونده شرکت برق آمریکایی AES علیه دولت جمهوری قزاقستان است. در قرارداد سرمایه‌گذاری فیما بین، بندی برای حل و فصل اختلافات از طریق داوری بین‌المللی تحت قوانین داوری آنسیترال گنجانده شده بود. شرکت AES مدعی شد که دولت قزاقستان توافق‌نامه سرمایه‌گذاری را به طرق مختلف زیر پا گذاشته است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: تغییرات نظارتی پیش‌بینی نشده که بر تعرفه‌های برق و سودآوری تأثیر می‌گذاشت و نیز مشکلات مربوط به اخذ مجوزها و تأییدیه‌های لازم برای انجام عملیات و اجرای طرح. اما در مورد ارتباط این پرونده با راهبرد حل اختلاف نظارتی می‌بایست توجه کنیم که هرچند این پرونده، ادعاهای معاهده سرمایه‌گذاری گسترده‌تری را شامل می‌شد اما اختلاف اصلی در مورد مسایل مربوط به تغییرات نظارتی و تأثیر آن‌ها بر طرح بود. این نکته می‌تواند نشان‌دهنده چگونگی رسیدگی داوری بین‌المللی به جنبه‌های اختلافات نظارتی در صنعت برق باشد. در هر صورت، نتیجه پرونده مورد بحث بدین صورت شد که دیوان داوری در مورد برخی از ادعاها، از جمله در موارد مربوط به تغییرات نظارتی پیش‌بینی نشده و تأثیر آن‌ها بر سودآوری طرح، به نفع شرکت آمریکایی رای داد و غرامت قابل توجهی برای خسارات مالی ناشی از این تغییرات نظارتی، تعیین کرد. این پرونده، قابلیت داوری بین‌المللی را برای رسیدگی به موقعیت‌هایی نشان می‌دهد که تغییرات نظارتی پیش‌بینی نشده بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در صنعت برق تأثیر منفی می‌گذارد. در حالی که این پرونده صرفاً بر روی مسایل نظارتی متمرکز نبود، اما بررسی آن نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از داوری برای به چالش کشیدن اقدامات دولت که به‌عنوان نقض توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری از طریق تغییرات ناعادلانه یا مخرب نظارتی تلقی می‌شود، استفاده کرد (AES v. Kazakhstan, 2010).

در حالی که هر دو مطالعه موردی که بررسی کردیم در خصوص اختلافات نظارتی در صنعت برق بود، اما بررسی آن‌ها نشان داد که روش‌های مختلف حل اختلاف در این موارد به کار گرفته می‌شود. در پرونده اول از روش بررسی قضایی استفاده شد که از نقاط قوت این روش می‌توان به این موارد اشاره کرد: اول این که فرایند داخلی بوده و از نظام حقوقی کشوری که مقررات در آن اجرا می‌شود، استفاده شد. نقطه قوت دوم، تمرکز بر قانون‌مندی بود؛ بدین معنی که تمرکز بر حصول اطمینان از این موضوع بود که تصمیمات دولت به‌طور قانونی اتخاذ می‌شوند و از رویه‌های مناسب پیروی می‌کنند. و در نهایت این که احکام دادگاه می‌توانند سابقه‌ای را برای اختلافات آتی که شامل اقدامات نظارتی مشابه است، ایجاد کنند. اما در پرونده دوم از روش داوری بین‌المللی استفاده شد که از نقاط قوت استفاده از این روش می‌توان به این موارد اشاره کرد: اول این که، یک انجمن بی‌طرف و خارج از نظام حقوقی ملی هر یک از طرفین حل و فصل اختلاف را بر عهده گرفت. همچنین، داورانی با دانش خاص خود از صنعت برق و مقررات مربوطه انتخاب شدند. و در نهایت این که آرای صادر شده بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی به

آسانی قابل اجرا بوده و راه روشنی برای حل و فصل اختلافات ارایه می‌دهند. از موارد افتراق دو پرونده به موارد زیر به‌طور خلاصه می‌توان اشاره کرد: اولین تفاوت به تقابل اختلافات بین‌المللی در برابر اختلافات داخلی باز می‌گردد. داوری بین‌المللی شامل یک دادگاه شخص ثالث بی‌طرف است، در حالی که بررسی قضایی از نظام حقوقی داخلی استفاده می‌کند. دوم این که داوری بر حل و فصل اختلاف بر اساس توافق طرفین متمرکز است، در حالی که بررسی قضایی بر قانونی بودن تصمیم دولت متمرکز است. و در نهایت این که احکام داوری مستقیماً طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی قابل اجرا هستند، در حالی که بررسی قضایی ممکن است به اقدامات اجرایی بیشتری در نظام حقوقی داخلی نیاز داشته باشد. این که کدام یک از این دو روش انتخاب شود به موارد متعددی بستگی دارد. اولین مورد وجود شرط داوری در قرارداد فی‌مابین است. اگر قرارداد سرمایه‌گذاری شامل شرط داوری باشد، معمولاً بر بررسی قضایی ارجحیت دارد. مورد دوم امکان رسیدن به نتیجه مطلوب است. مثلاً اگر به دنبال دریافت غرامت برای نقض یک توافق باشید، داوری ممکن است سریع‌تر هدف مد نظر را محقق کند. اما در صورتی که هدف، به چالش کشیدن قانونی بودن مقررات باشد، بررسی قضایی راه مناسب‌تری است. و مورد سوم بحث هزینه‌ها است. هر دو روش می‌توانند گران باشند، اما داوری بین‌المللی به دلیل هزینه‌های داور و هزینه‌های قانونی مرتبط می‌تواند پرهزینه‌تر باشد.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله، راهبردهای متفاوت حل و فصل اختلافات بین‌المللی، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. برای هر کدام از این راهبردها، پرونده‌های حقوقی طرح شده در کشور انگلستان به‌عنوان موارد مطالعه، بررسی گردید. سپس مزایا و معایب هر کدام از این راهبردها مورد بررسی قرار گرفت و با مطالعه راهکارها و ظرفیت‌های حقوقی مطرح در نظام حقوقی انگلستان، مقایسه تطبیقی مابین روش‌ها انجام شد. به‌عنوان اولین راهبرد، ابتدا روش جایگزین بررسی شد. با مطالعه این روش مشخص گردید که استفاده از آن می‌تواند فرایند کامل داوری را تسریع نماید. این روش می‌تواند به‌طور قابل توجهی ارزان‌تر از داوری باشد و در هزینه هر دو طرف، صرفه‌جویی نماید. به‌عنوان راهبرد دوم، مذاکره اجباری بررسی گردید. این روش مزایای متعددی را نشان می‌دهد از جمله حفظ روابط تجاری، مقرون به‌صرفه بودن و بهره‌وری زمانی. با این حال، بررسی‌ها نشان داد که روش مورد نظر، معایب بالقوه‌ای نیز دارد از جمله قدرت چانه‌زنی نابرابر، چالش‌های در حین اجرا، خطر بن‌بست، و احتمال تاخیر در حل و فصل اختلافات. بررسی پرونده‌ها نشان داد که ضروری است که طرفین هنگام تصمیم‌گیری در مورد شرکت در مذاکره اجباری به‌عنوان بخشی از راهبرد حل اختلاف خود، این مزایا و معایب را به‌دقت در نظر بگیرند. راهبرد سوم، استفاده از تصمیم کارشناسی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای حل و فصل اختلافات در صنعت برق بود.

بررسی‌ها نشان داد که این روش با محدودیت‌ها و اشکالات خاصی همراه است از جمله این که برای اختلافات واقعی کمتر مناسب است؛ یافتن کارشناس مناسب با چالش همراه است؛ ضمانت‌های قانونی وجود ندارد؛ احتمال بالقوه سوگیری وجود دارد؛ و دیگر این که برای اختلافات بسیار سنگین به دلایل زمانی و نیز فقدان توانایی برای اجبار شواهد جهت شهود و افشا مناسب نیست. راهبرد بعدی که بررسی گردید میانجی‌گری بود که مزایای بالقوه‌ای داشت از جمله صرفه‌جویی در هزینه، کاهش ریسک و حفظ رابطه. بررسی پرونده‌ها نشان داد که مشکل اصلی میانجی‌گری این است که همیشه در حل و فصل اختلافات موفق نیست. البته می‌توان خاطر نشان ساخت که حتی اگر میانجی‌گری منجر به حل و فصل نشود، باز هم می‌تواند یک فرایند ارزشمند برای طرف‌های درگیر باشد و طرفین می‌توانند از بینش‌های به دست آمده در طول میانجی‌گری برای تدوین راهبرد داوری خود استفاده کنند. میانجی‌گری با معایب و خطرات بالقوه‌ای نیز همراه است که به طور کامل بررسی گردید. راهبرد بعدی، استفاده از داوری برای حل و فصل اختلافات بدون توسل به روندهای دادگاهی طولانی و پرهزینه بود. بررسی‌ها نشان داد که هم داوری بین‌المللی و هم بررسی قضایی سازوکارهایی را برای رسیدگی به اختلافات نظارتی در صنعت برق ارائه می‌دهند. درک نقاط قوت و محدودیت‌های هر روش برای شرکت‌ها و دولت‌ها برای تعیین مناسب‌ترین رویکرد برای حل چالش‌های نظارتی خاص بسیار مهم است. در حالی که هر یک از این روش‌ها مزایا و معایب بالقوه خود را دارند، هدف همه آن‌ها ارایه ابزاری عادلانه و موثر برای حل و فصل اختلافات در صنعت برق هستند. طبیعتاً آگاهی از این موارد به معنای موفقیت و شکست طرح‌ها خواهد بود. مطالعات انجام شده، ترکیبی از راهبردهای حل اختلاف جایگزین با داوری بین‌المللی را پیشنهاد می‌دهد که بسته به ماهیت هر پرونده، می‌تواند تغییر کند.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۳)، «مبانی نظری استقلال موافقتنامه داوری از قرارداد اصلی در حقوق تطبیقی»، دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی دانشگاه مفید، قم، شماره ۴۳
۲. امینی، عیسی؛ اسکینی، ربیعا؛ رشیدی، امید (۱۳۹۹). *تفسیر شرط داوری اجباری*. صفحات ۵۳-۸۱ فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره سی و دوم
۳. جنیدی، لعیا؛ غیاثوند قزوینی، نسترن (۱۳۹۶). *داوری پذیری در نظام حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی*. حقوق تطبیقی، ۱۳(۱۰۸)، صفحات ۲۵-۴۸
۴. جوادپور، نغمه؛ غمامی، مجید (۱۴۰۱). *اتخاذ روش میانجیگری در حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری نفت و گاز*. حقوق فناوریهای نوین، <http://doi.org/10.22133/MTLJ.2022.336069.1086>

۵. حیدری، داوود (۱۳۹۷)، *قراردادهای بین‌المللی انرژی (صادرات برق) از دیدگاه حقوق تجارت بین‌الملل*، هفتمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز
۶. دهقانی، پرویز (۱۴۰۱)، *داوری چندجانبه با منشأ واحد در حقوق موضوعه ایران*، مجله حقوق پزشکی، دوره شانزدهم، ویژه نامه تحولات حقوقی
۷. رضائی، سیدعلیرضا؛ معبودی نیشابوری، رضا؛ انصاری، اعظم؛ خدابخشی شلمزاری، عبدالله (۱۴۰۱)، *مطالعه تطبیقی اجرای اسناد نهایی در طرق بر خط جایگزین حل اختلاف*، دوره ۶ شماره ۱، صفحه ۱۰۱-۱۳۳

۲. خارجی

A) Books & Articles

8. Baoqing, Han (2011), *Dispute Resolution in International Electricity Trade*, Energy Procedia, Volume 5, Pages 2206-2210, ISSN 1876-6102, <https://doi.org/10.1016/j.egypro.2011.03.381>.
9. Beebeejaun, Zeenat, Faccia, Alessio (2022). Electronic Alternative Dispute Resolution, smart contracts and equity in the energy sector, *The Journal of World Energy Law & Business*, Volume 15, Issue 2, Pages 97–113, <https://doi.org/10.1093/jwelb/jwac004>
9. Born, Gary (2014). *The Law Governing International Arbitration Agreements*, Singapore Academy of Law Journal, 26 SaclJ, Pages 814-848.
- Calvin D, Kazuko, Giel, Garret, Zerzan (2023). Negotiation Strategies for Better Supplier Relationships in the Electrical Sector. <https://energy5.com/negotiation-strategies-for-better-supplier-relationships-in-the-electrical-sector>.
10. Cameron, Peter D (2023). International Arbitration and Energy Disputes, *Global Energy Law and Sustainability*, Volume 3 Issue 1, Page 1-17.
11. Hailes, Oliver, E Viñuales, Jorge (2023). The energy transition at a critical juncture, *Journal of International Economic Law*, Volume 26, Issue 4, pp. 627–648.
12. Klu, Kwame Richard and Appiah, Kwame Yaro (2020) *International Energy Law Dispute Resolution Mechanisms*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4025762> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4025762>
13. Krzykowski, M., Mariański, M. & Zięty, J (2021). *Principle of reasonable and legitimate expectations in international law as a premise for investments in the energy sector*. *Int Environ Agreements* 21, 75–91. <https://doi.org/10.1007/s10784-020-09471-x>
14. Martin, A. Timothy (2011) Dispute resolution in the international energy sector: an overview, *The Journal of World Energy Law & Business*, Vol.4, Issue 4. An International Perspective, 26 Singapore Academy Of Law Journal, p820.
15. Park, Patricia (2023), *International Law for Energy and the Environment*, 3rd Edition, CRC Press.
16. Potestà, M. (2013). Legitimate expectations in investment treaty law: Understanding the roots and the limits of a controversial concept. *ICSID Review*, 18, 7–8.
17. Shadikhodjaev, Sherzod(2016) “Promotion of ‘Green’ Electricity and International Dispute Settlement: Trade and Investment Issues.” *The International Lawyer* 49, no. 3, 343–72.
18. Song, Weidong (2009), *Present Situations and Development Trends of the Transnational Interconnected Electric Systems*. Electric Power Technologic Economics.

21:62-67.

B) Websites

19. AES v. Kazakhstan (2010), ICSID Case No. ARB/10/16, <https://investmentpolicy.unctad.org/investment-dispute-settlement/cases/381/aes-v-kazakhstan>
20. Amended Guidance for Applicants and landowners and or occupiers (2013). https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/208954/Amended_Guidance_for_Applicants_and_landowners_and_or_occupiers_-_June_2013.pdf
21. American Arbitration Association (2016). *A Handbook On Arbitration Practice* - Second Edition. 978-1-937518-80-6. <https://arbitrationlaw.com/books/aaa-handbook-arbitration-practice-second-edition>
22. Claire King(2018). *Expert Determination of Construction Disputes: The Pros and Cons*. <https://www.fenwickelliott.com/research-insight/newsletters/insight/80>
23. Clea Bigelow-Nuttall , Mark Harris (2023). *Disputes arising from the energy transition will be many and varied*. <https://www.pinsentmasons.com/out-law/analysis/disputes-energy-transition-many-varied>.
24. Dispute resolution clauses in the energy sector (2016). – *why they should be given extra thought*. <https://www.twobirds.com/en/insights/2016/uk/dispute-resolution-clauses-in-the-energy-sector-why-they-should-be-given-extra-thought>
25. E.ON UK Plc v The Secretary of State for Business, Energy and Industrial Strategy (2019), <https://www.judiciary.uk>.
26. Electricity Market Reform (2021). *Electricity Market Reform Dispute Resolution Guidance*. <https://www.ofgem.gov.uk/sites/default/files/2021-10/EMR%20Dispute%20Resolution%20Guidance%202021%20%282%29.pdf>
27. Eoin Daly, Victor Finkel, Jayanti Kar, Michele Pani (2022). *Facing the future: Net zero and the UK electricity sector*. <https://www.mckinsey.com/industries/electric-power-and-natural-gas/our-insights/facing-the-future-net-zero-and-the-uk-electricity-sector>
28. Judgment of the High Court of Justice (2008), EWHC 426 – 13, <https://jursmundi.com/en/document/decision/en-braes-of-doune-wind-farm>
29. Meagan T. Bachman, Lisa G. Henneberry and Tamim Momeni (2022). *Key Takeaways for the Future of International Energy Arbitration*. Queen Mary University Survey. <https://www.crowell.com/en/insights/client-alerts/key-takeaways-for-the-future-of-international-energy-arbitration-2022-queen-mary-university-survey>
30. Mediation: An approach to resolving workplace issues (2022). <https://www.cipd.org/uk/knowledge/guides/workplace-mediation/>
31. Hopkins, Michael, Morris, Neal (2018). *The adjudication process*. <https://www.pinsentmasons.com/out-law/guides/the-adjudication-process>
32. Ministry of Justice (2021). *A guide to civil mediation*. <https://www.gov.uk/guidance/a-guide-to-civil-mediation>
33. NGET v. ABB (2009), EWHC 1326, UKCLR 838, <https://www.casemine.com/judgement/uk/5a8ff76160d03e7f57eabeb5>
34. Simon, Smith (2023). *A guide to the adjudication process in construction disputes*. <https://harperjames.co.uk/article/guide-to-adjudication-in-construction-disputes/>

-
35. United Kingdom Publication (2023). *Use of expert determination mechanisms*.
<https://nortonrosefulbright.com/en/knowledge/publications/470a3448/use-of-expert-determination-mechanisms>
36. WIPO Alternative Dispute Resolution (ADR) for Energy (2023).
<https://www.wipo.int/amc/en/center/specific-sectors/energy/>